



مشتی ماشالله، حَقّه‌ای والله!

یادداشت‌هایی از ابراهیم افشار، حمید رستمی، مهدی افخمی و ... **صفحه ۱۶**

بررسی ۶ خودروی برقی؛ واردات از مشرق تا مغرب

در روزهای سرد و آلوده تهران چه خودروهایی بخریم؟ **صفحه ۰۵** | **را بخوانید**



روزنه آخر هفته

مشتی‌چ



حریم سلطان

آنچه باید در مورد امپراطوری
عثمانی و گذشته ترکیه، سوریه
و لبنان امروزی بدانیم

در بسته آخر هفته بخوانید:

● **صداهایی آن سوی آواز**

درباره چهار زن که آوازیانشان در فضای مجازی
بازتاب‌های غیرقابل کنترل یافتند

● **پیکان جوانان هم نشدیم!**

شب پلدا، اوشین، کنعان‌ی زادگان، قاجاق گازوئیل،
ادارات لاهیجان و استخر لاکچری‌های بی‌نوا...

● **آفت‌آفت ستاره‌ها**

افت بازیکنان کلیدی و نام‌آشنای پرسپولیس

زوایای دعوای ۴۲۰ هزار میلیاردی

نزاع برای قانون‌گذاری رمزارزها حالا شفاف شد: همتی وزارت اقتصاد در برابر فرزین بانک مرکزی
قرار گرفته و هر کدام یک بازوی قدرتمند هم دارند؛ مرکز ملی فضای مجازی و معاون علمی

مصطفی آرانی | دیروز دو خبر مهم در حوزه رمزارزها منتشر شد. خبر اول این بود که در نشست کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کلیات سند ساماندهی رمزارزها تصویب شد و خبر دوم این بود که معاونت علمی رئیس‌جمهور در یک مصاحبه گفت بانک مرکزی باید در مورد رمزارزها قانون بنویسد. این موضوع به ما چه ربطی دارد و چقدر مهم است؟ رئیس کل بانک مرکزی اخیراً گفته بود گردش مالی رمزارزها در یک سال ۴۲۰ هزار میلیارد تومان است. گفته شده حدود ۱۵ میلیون نفر در این بازار مشغول کسب و کار و تجارت هستند. شاید شما که این متن را می‌خوانید هم یکی از این افراد باشید.

حالا سیستم به این نتیجه رسیده که قانون درست و حسابی برای تنظیم این بازار ندارد. بازاری که تقریباً هر روز هزار و ۱۵۰ میلیارد تومان پول در آن مبادله می‌شود. دو عده شروع کردند به نوشتن قانون. یک عده در وزارت اقتصاد و امور دارایی به مدیریت آقای همتی که رئیس کل سابق بانک مرکزی است و یک عده در بانک مرکزی به مدیریت آقای فرزین. هر گروه هم باری برای خود از سیستم برداشته‌اند. آقای همتی به سراغ مرکز ملی فضای مجازی رفته است و آقای فرزین به سراغ معاون علمی رئیس‌جمهور.

گروه آقای فرزین کمی زودتر دست جیبانده و روز ۱۷ آذر سند خود را در همایش بانک مرکزی رونمایی کرده است ولی گروه دوم هم بی‌کار ننشسته و روز شنبه یک نشست با فعالان رمزارز گرفته و دیروز هم به صورت قدمتی قانون خود را در کمیسیون زیر نظر شورای عالی فضای مجازی به تصویب رسانده است. گروه بانک مرکزی مدعی است که ما فقط حق داریم که این

کار را بکنیم چون کار بانک مرکزی مدیریت فضای پولی کشور است و گروه دوم می‌گوید ما فقط حق داریم این کار را بکنیم چون هر چیزی که مجازی باشد باید برود و در شورای عالی فضای مجازی در مورد آن تصمیم‌گیری شود. در زیر این دعوای حقوقی – اداری اما یک دعوای اقتصادی و شاید سیاسی بزرگ قرار دارد. چه دعوایی؟ بانک مرکزی به دو دلیل در حال تلاش برای محدود کردن رمزارزها است. یکی به خاطر اینکه رمزارزها در واقع رقیب ریال هستند و می‌توانند چالشی برای پول ملی باشند و دوم اینکه نظام نقل و انتقال رمزارزها نظامی موازی با سیستم بانکی است و بانک مرکزی به عنوان رئیس همه بانک‌ها می‌خواهد از منافع آن‌ها حمایت کند.

در مقابل همتی با وجود اینکه وزیر امور اقتصاد و دارایی است و بانک‌های دولتی زیر نظر او اداره می‌شود ولی روحیه‌ای نوآور و همسان با پیشرفت‌های جهانی دارد و از این رو نمی‌خواهد این محدودیت‌ها را بپذیرد. برای همتی که اداره مالیات زیر نظر اوست؛ احتمالاً کسب درآمد از این گردش مالی رمزارزها در اهمیت بیشتری دارد تا محدود کردن آن‌ها.

البته خیلی عجیب است که در این دعوا مرکز ملی فضای مجازی که تاکنون بیشتر به دنبال محدودیت بوده، سمت همتی آزادی‌خواه ایستاده و افشین به عنوان رئیس استار تاپ‌ها که باید حامی نوآوری باشند سمت فرزین ایستاده است. از نظر سیاسی هم به نظر می‌رسد که همتی خیلی علاقه‌ای به مدیریت فرزین در بانک مرکزی ندارد و بدش نمی‌آید پس از کنار رفتن یا برکناری او فردی را همسو با خود به مدیریت این بانک برساند.

سه قصه حاشیه‌ای
در کنار این قصه مرکزی حواستان به سه قصه حاشیه‌ای هم باشد. قیمت دلار به شدت بالا رفته است. برخی می‌گویند فضای منطقه و آمدن ترامپ و کریسمس مؤثر است ولی برخی دیگر می‌گویند دست‌هایی هم در کار است برای برکناری فرزین. شاید بتوان این قصه حاشیه‌ای را با آن قصه مرکزی مربوط دانست. شاید البته. اگر این مطلب درست باشد یعنی آن طیفی که می‌خواهند بانک مرکزی رمزارزها را مدیریت نکند؛ در افزایش قیمت ارز مؤثرند. یک قصه حاشیه‌ای دیگر وضعیت برق است. خب می‌دانید که بیت کوین همین طور دارد رشد می‌کند و این استخراج بیت کوین را هم پرسود می‌کند ولی استخراج بیت کوین نیاز به برق دارد. برخی معتقدند پشت بی‌برقی‌های این روزهای کشور استخراج بیت کوین به صورت غیرمجاز نهفته است. اگر این قصه هم درست باشد؛ اگر چه به آن قصه اصلی‌مان ربطی ندارد ولی به ما می‌گوید که دو مسئله اصلی کشور یعنی افزایش قیمت دلار و خاموشی زیر سر رمزارزها است. صرفاً برای اینکه بدانید ماجرای رمزارز چقدر مهم است. حالا قصه سوم چیست. در دعوی میان مرکز ملی فضای مجازی – وزارت اقتصاد و بانک مرکزی – معاون علمی در مورد اینکه چه کسی باید برای رمزارزها مطلب بنویسد؛ جای یک نهاد خالی است: مجلس. انگار که نهاد اصلی قانون‌گذار مملکت به طور کلی فراموش شده تا جایی که پورا ابراهیمی نماینده سابق و رئیس کمیسیون اقتصادی قبلی مجلس که حالا دبیر کمیسیون اقتصادی مجلس شده مصاحبه کرده و گفته دعوا را ول کنید و بگذارید مجلس برای این موضوع قانون بگذارد. صدایی که البته در آن دعوای سطح بالا خیلی شنیده نمی‌شود.

وی که در مذاکرات قاهره در مورد غزه مشارکت کرده است، افزود: نتانیاهو با بسیاری از مسائل که پیش از این در مورد آن‌ها ملاحظاتی داشته و با مخالف آن‌ها بوده است، موافقت کرد و زمان اعلام آتش بس در غزه بسیار نزدیک است. این مسئول مصری که الاخبار نامی از او نبرده است، گفت: اتفاقات سوریه منجر به وقفه کوتاه در مذاکرات غزه شد اما این مذاکرات بار دیگر از سر گرفته شد. وی همچنین گفت که قطر و ترکیه در این مذاکرات که تقریباً به مراحل نهایی رسیده است نقش گسترده‌تری ایفا کردند.

رو میز صحبت تکنیم. این مقام حماس همچنین افزود: مذاکرات جاری درباره غزه اکثریت قریب به اتفاق موارد بحث برانگیز و اختلافی را حل و فصل کرده است. وی همچنین اعلام کرد: نکات اختلافی درباره اسرای فلسطینی دارای احکام سنگین برطرف شده و توافق ممکن است در مرحله تکمیل نهایی باشد.

اخیراً یک مسئول مصری در گفت‌وگو با روزنامه الاخبار لبنان گفت که موضع نتانیاهو در خصوص آتش بس غزه در حال حاضر، نرم تر از هر زمان دیگری شده است.

پرونده‌ای برای قاتل‌های باوجدان

گاهی تحقیقات جنایی کار آگاهان بی‌ثمر می‌ماند اما این پایان ماجرا نیست

● یک داستان قدیمی: خیانت حزب توده/ قصه‌های گمشده – باورهای فرد ● نامه‌های جنجالی وکیل حسینی / مدافع بزرگ این روزهای وکلا، رئیس کانون وکلای سمنان است ● نقشه بازار مسکن در آغاز فصل سرد / قیمت خانه‌های نوساز در مناطق مختلف تهران چقدر است؟ ● یک قهرمان تازه داریم... / درباره علیرضا یوسفی که دل مردم را به‌دست آورد ● اعدام مرد در فشی/ مردی که در انتقامجویی کور با درفش به زنان تهرانی حمله می‌کرد اعدام شد ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

روزنامه فرهنگی، اجتماعی،
شهری و اقتصادی ایران
پنجشنبه | ۲۹ آذر ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۹۴۴
قیمت | ۵۰۰۰ تومان

اشک‌های تلخ رئیس‌جمهور

ماجرای غافلگیرکننده عشق
و سوگ در مردان سیاست

نگین باقری | درباره سخنرانی دیروز پزشکیان احساسات دوگانه‌ای وجود داشت. بدبین‌های حرفه‌ای این گریه را ظاهرسازی دیدند اما بعضی از خبرنگاران سیاسی هم گفتند که خیلی قبل‌تر از این حرف‌ها پزشکیان را دیده بودند که موقع صحبت درباره همسرش به گریه افتاده. اثبات اینکه کدام‌یک درست می‌گویند، چیزی نبود که ما دنبال آن باشیم. به جای این بحث اما می‌توان درباره اتفاق‌های مشابهی حرف زد. درباره لحظاتی که مردان سیاسی عواطف خود را درباره همسر خود بروز می‌دهند و یک دفعه جریان عادی، غیرعادی می‌شود. از سخنرانی‌ای حرف می‌زنیم که در آن قرار بود، پزشکیان درباره خانواده حرف بزند اما همان زمانی که نوبت سخنرانی او می‌رسد، عکس مرحوم همسر او روی صفحه نمایشگر می‌افتد و در این نقطه سخنرانی تمام می‌شود. در واقع مسعود پزشکیان عکس را که می‌بیند بغض می‌کند، از پله‌ها پایین می‌آید، کنار صندلی دخترش می‌نشیند و گریه می‌کند. شانه‌هایش می‌لرزد و معاون زنان سمت دیگر او هم از گریه کردنش برانگیخته می‌شود.

برگردیم به ۶ سال پیش. به روزی که علی ربیعی در یک مراسم عمومی که برای طرح تحول سلامت گرفته شده بود به گریه افتاد. در آن مراسم بیمارانی که با داروی ایرانی بهبود پیدا کرده بودند، روی سن می‌آمدند و حرف می‌زدند. ربیعی این طور سخنرانی‌اش را شروع کرد: «خیلی خوشحالم که خیلی‌ها خوب می‌شوند. اینجا دستاثرش را روی چشمش کنید. او همسر خود بود. ربیعی بارها در مراسم مختلف با یادآوری این موضوع گریه کرده. یک بار دیگر چند خبرنگار جانباخته کشتی سانچی این تصویر تکرار شد. آن روز صدای هق‌هق گریه همسر یکی از این جان‌باخته‌ها از پشت تلفن می‌آمد. ربیعی هم این طرف خط او را تسلی می‌داد و گریه می‌کرد. یک بار دیگر هم در مراسم یادبود مهشاد کریمی و رحمانه یاسینی دو خبرنگار جانباخته در حادثه نابوس به گریه افتاد. تصویر گریه‌کردن ربیعی در هر سه برهه با انکارهای زیادی روبه‌رو شد. به‌خصوص اینکه او دوره‌ای در وزارت اطلاعات فعالیت داشته و اعلام‌عدم‌تناسب‌مشاغل امنیتی با بروز حالت عاطفی مانند گریه کردن، این نابوری را بیشتر می‌کرد. اما این مسئله در مورد علی ربیعی چندان تأثیر نداشته است.

سال ۱۳۹۰ تقریباً هم‌زمان با اولین تصاویری که از گریه علی ربیعی منتشر شد، عکسی هم از بی‌تابی آیت‌الله صائنی برای همسرش بیرون آمد. آیت‌الله صائنی زمانی که ۷۴ ساله بود همسر خود را از دست داد. در تمام عکس‌های مراسم تشییع افرادی دست‌هایش را گرفته‌اند و آیت‌الله به حال ضجه گریه می‌کند. تقریباً یک دهه بعد عکس‌های زیادی از اشک‌های آیت‌الله جوادی‌آملی بر تابلو همسر منتشر شد. کمی بعد از این اشک‌ها فیلم گریه و بی‌تابی‌های بیشتری بر سر حاشیای عشق بیشتر مقوله‌ای رنگی و غریبی دیده شد. به همین دلیل حتی در مواردی که مردی خلاف این تصویر رفتار می‌کند ممکن است صادقانه به نظر نرسد. در این نظام اخلاقی امور سیاسی و روابط اجتماعی، کمک به خلق و جان‌فدایی برای میهن بر امور فردی و عاطفی اولویت دارد و حرف زدن از روابط خصوصی مردان سیاسی بین مردم ناپایتمن محدود می‌شود به شایعه‌ها یا پیچ‌هایی که درباره چندهمسری و کنجکاوی‌های مشابه آن وجود دارد. در چنین چارچوب فکری است که مردان سیاسی برای محافظت از چهره سیاسی خود سعی می‌کنند عشق خود را مخفی کنند. این نگاه اگر چه در سال‌های گذشته به‌وضوح بر مردان امروزی کمرنگ شده اما بر مرد سنتی و سوزه سیاسی مردانه هنوز مستولی است.

دستور زبان عشق

در فکر فرار بودم از چشم کبود

با کاغذابه آسمان زل زده بود

او موشک می ساخت و من قایق، چون /او عاشق ماه بود و من، عاشقِ رود

مهدی موسوی		مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو دبیر آنلاین:صدراپاکتاش مدیر هنری: وحید غفاری
		
هفت صبح روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی		
سال چهارم شماره ۱۲۹۴ پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۳۰۲		
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار		
مدیر عامل: علی مرتضائی		

یک قهرمان تازه داریم...

درباره علیرضا یوسفی که دل مردم را به‌دست آورد

حالایک قهرمان تازه داریم، علیرضا یوسفی وزنه‌برداری با ۱۶۰ کیلووزن که در دوضرب فوق‌سنگین، رکورد رویایی ۲۶۳ کیلو را بلند کرد و تا یک‌قدمی به لره درآوردن امپراطوری حسین رضازاده پیش رفت. در وزن او، علی داوودی موفق‌تر بود؛ چراکه دو نقره و یک برنز، به‌دست آورد و در مجموع بالاتر از یوسفی ایستاد اما پسر موخرمای ۲۱ ساله، اهل قائمشهر با چهره خاص خود(که شبیه ملوان‌های رمان‌های قرن نوزدهم انگلیسی است) و شیوه نپایش، راز و نیاز قبل از بازی و صداد زن پدر خود از عمق وجودش برای یاری‌رساندن این روزها شبکه‌های مجازی را تسخیر کرده است. یک عنصر خالص ایرانی در تصاویر رازو نیازش و راه رفتن سراسیمه‌اش قبل از وزنه‌زدن به چشم می‌خورد. طوری که



دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

رفقا... بنده همیشه نظرم این‌س بوده که همه شغل‌ها مهم هستند و اگر هر کسی فقط در همان حوزه کاری خودش، بهترین خدمات رو ارائه بده، خیلی از مشکلات خود به خود حل میشه...

بر طبق تجربیات گران بهای من، مشکل از اونجایی شروع میشه که وجدان کاری با کلیدی بودن و اهمیت شغل، نسبت معکوس پیدا می‌کنه. مثال، خداروشکر فراونه، فقط نمیدونم کجا نویسم و اگر جوابتون اینه که همین جاد، همین جا، یکی از اونایی رو که جرأت دارم، همین جاعرض می‌کنم.

دربوز به دلیلی باید بیمارستان می‌رفتم. خب، در همان اولین قدم گرفتار دوست عزیزی شدم که وظیفه شان بالا و پایین دادن ماعنی بود که جلوی در نصب کرده بودن: «کجا؟» / «میرم توی بیمارستان...» / «چیکار داری؟» با توجه به این که نیت حضور در بیمارستان تقریبا مشخصه، شرح مختصری دادم و ایشون هم خیلی با دقت گوش دادن: «کدوم دکتر؟» اسمم دکتر رو گفتم. چونه ای خاروند و بعد از لحظاتی فکر کردن و تشکیل کمیسیون پزشکی در مغزش، اجازه ورود داد: «باشه برو.» / «خیلی ممنون. الان کجا برم؟» / «برو... دم در بهت می‌گن.»

حیات بیمارستان رو رد کردم و گیر دوست مهربون دیگری اقدام که با توجه به محل جاگیری و شکل لباسی که پوششیده بودن، مشخص بود که وظیفه‌شان حضور مداوم در

کنار درب ورودیست:

– «کجا؟» / «والا... برای اون همکار تون توضیح دادم. میرم داخل که...» و مجددا شرح مختصری دادم که برای تفریح و شادی و از سر بیکاری نبودم بیمارستان و علت دیگری داره و گرنه به هیچ وجه، در این اوضاع مزاحم پرسنل زحمتکش نمی‌شدم.

ایشون هم با دقت فراوانی به حرف‌های من گوش کردن: «کدوم دکتر؟»

بعد از گفتن اسم دکتر، انتظار داشتم که حداقل راهنمایی بفرمایم که در کدام جهت جغرافیایی به حرکت مثل ادم‌دم... ولی فقط به سری تکان داد و به مراجعه کننده بعدی گفت: «کجا؟»

– «ببخشید... حالا من کجا برم؟» با دست، به وری رو نشون داد... امتداد مسیر مورد اشاره رو نگاه کردم، راهرویی بود... در ابتدای راهرو، یک آقایی که لباس خدمتش دقیقا مثل لباس دو نفر قبلی بود، ایستاده بود: «کجا؟...»

به این دوست زحمتکش هم همان جملات رو گفتم... خیال ایشون هم که راحت شد که خدای نکرده بیمارستان رو با شهر بازی اشتباه نگرفته‌ام، با دست من رو به ادامه مسیر راهرو راهنمایی کردن. تا انتهای راهرو، دوبار دیگر در تله ایستت بازرسی این بزرگواران گرفتار شدم و این دوستان هم که مشخص بود تحت تعلیم سخت و یکپار چدای قرار گرفته‌اند و وظیفه خطیر یقه کردن و گفتنِ «کجا» و «کدوم

پیامبر صلی الله علیه و آله

اَلصَّبِّفَ یَنْزِلُ بِرُزْقِهِ وَ یَرَجُلُ بِذُنُوبِ اَهْلِ الْبَیْتِ

میهمان، روزی خود را می آورد و گناهان اهل خانه را می برد.

بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۷۲، ص ۴۶۱، ج ۱۴

 		
منتخب		

واگوهایانتظار

من و این شعر تکراری

شروع شب به بیداری...!

تو و عطری که جا مونده / تمام شب خود آزاری

بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۷۲، ص ۴۶۱، ج ۱۴

 		
منتخب		

سایت نگار

وزیر سوئیسی، قمه به دستان یاسوج، از خود بی خودش گان شب یلدا

❖ مراسم تقدیر از مدال آوران ایران در المپیک و پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس در شرایطی روز

دوشنبه با حضور رئیس‌جمهور برگزار شد که حسن یزدانی، قهرمان پرافتخار کشتی ایران با ۱۰ مدال جهانی و المپیک، در این رویداد حضور نداشت؛ اتفاقی که با واکنش و انتقاد تند و تیز علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی، همراه شد.

حمید یاری، رئیس سازمان لیگ کشتی، در کنفرانس مطبوعاتی خود درباره این اتفاق صحبت کرد و گفت: انتظارات زیادی از ما به‌عنوان یک ورزش پرمال وجود دارد. متأسفانه ما عادت کرده‌ایم که وقتی زمانی را برای جلسه‌ای مشخص می‌کنیم، سر تایم مراسم را برگزار نکنیم. حسن یزدانی با اندکی تأخیر رسید و زمان ورود او هم‌زمان شد با حضور رئیس‌جمهور. به‌همین دلیل تیم حفاظتی برای لحظاتی درها را بست تا ابتدا رئیس‌جمهور مستقر شود و مراسم رسماً آغاز شود.

حسن یزدانی یک چهره معمولی نیست و پرافتخار ترین ورزشکار تاریخ کشور است. باید تمهیدات ویژه‌ای فراهم می‌کردند که حسن یزدانی بتواند وارد سالن شود. هوا واقعا سرد بود و حسن حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه در هوای سرد ایستاده و به نوعی نتوانسته به مراسم برسد و در نهایت مراسم را ترک کرده است.

سیدعباس موسوی معاون تشریفات دفتر رئیس‌جمهور روز چهارشنبه در صفحه شخصی خود در شبکه ایکس، نوشت: دقایقی پیش با جهان پهلوان حسن یزدانی افتخار ایران زمین گپ و گفت تلفنی صمیمانه داشتم و از مشکل پیش آمده برای ایشان در مراسم تجلیل از مدال آوران المپیک و پارالمپیک پاریس عذر خواهی و دلجویی کردم.

هر چند مجموعه ریاست جمهوری در مسئله (از دید بنده غیرقابل توجیه) پیش آمده هیچ نقشی نداشت، اما به حرمت این جهان پهلوان با اخلاق و محبوب، ضمن ابلاغ سلام رئیس‌جمهور محترم بر مشی همیشگی ایشان در تکریم انسان‌ها به‌ویژه بزرگان و فرهیختگان و افتخار آفرینان این سرزمین تاکید کردم.

حسن آقا هم با ادب و منانت همیشگی موضوع را تمام شده و غیر مهم تلقی کرد که گفتم این بر خود هم از بزرگواری شماس‌ت و قطعا حفظ حرمت شما بر همه ما ایرانیان واجب است و احترام به شما یعنی احترام به ایران. باید قدر نام آوران و افتخار آفرینان وطن را بیشتر بدانیم و می‌دانیم.

❖ چندی پیش ویدئویی از یک توله شیر در فضای مجازی منتشر شد که در آن فردی ادعا می‌کند این توله شیر را به مبلغ ۶۶۰ میلیون تومان خریداری کرده است. این موضوع واکنش فعالان محیط زیست را به دنبال داشت.

در همین راستا، شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست از رسیدگی به این تخلف خبر داد و در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: «یگان حفاظت محیط زیست با اولویت پیگیری این تخلف است.»

❖ **مهران سالاریه رئیس ستاد نوسازی ناوگان حمل و نقل و اسقاط خودروهای فرسوده با اشاره به وجود حدود ۱۰ میلیون موتورسیکلت فرسوده در کشور گفت:** «بر اساس آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون ساماندهی صنعت خودرو، سن فرسودگی موتورسیکلت‌های کاربر اتوری ۶ سال و موتورسیکلت‌های اتزکتوری ۱۲ سال است و این دسته از موتورسیکلت‌ها در صورت تردد، از سال آینده مشمول جریمه خواهند شد.»

❖ **مر تفسی افقه؛** اقتصاددان و استاد دانشگاه با اشاره به تداوم روند نزولی تورم تولیدکننده گفت: «طبق آمار، تورم سالانه تولیدکننده در آبان‌ماه با یک درصد کاهش نسبت به مهرماه به ۲۷٫۶ درصد رسید که این اتفاق بر تورم مصرف‌کننده نیز اثر گذار خواهد بود؛ یعنی به‌مرور زمان شاهد کاهش تورم مصرف‌کننده خواهیم بود.»

وی افزود: «یکی از مهمترین اهداف بانک مرکزی در دو سال گذشته کنترل نرخ رشد نقدینگی و جلوگیری از افزایش قیمت کالا و خدمات به‌بانه افزایش قیمت ارز بود و خوشبختانه این اقدامات باعث شد شاهد کاهش تورم تولیدکننده باشیم.»

❖ پس از پایان دیدار سپاهان و پرسپولیس در استادیوم نقش جهان اصفهان که با حضور ۴۰ هزار هوادار خانم برگزار شد، نیما مزاراد، گلر تیم میزبان جمله‌ای توهین‌آمیز خطاب به تماشاگران خانم به کار برد که واکنش‌های زیادی را در پی داشته است.

❖ **مهدی بستانچی، رئیس شورای هماهنگی شهر ک‌های صنعتی در گفت‌وگو با «خانه اقتصاد»:** آقای اتابک‌دار این چندماه که وزیر شدی به چند شهرک صنعتی رفتی؟
● هیات دولت که هر روز تعطیل می‌کند، حاضر است چک‌های صنعتگران را پاس کند؟
من چگونه حقوق کارگران را بدهم؟

«اتابک» فکر کرده وزیر صمت سوتیس است، یک کلمه درباره قطعی برق صنایع حرف نمی‌زند. چرا باید «سراها» و «پاساها» برق داشته باشند ولی من صنعتگر نداشته باشم؟

❖ **محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا، در روزنامه ایران در یادداشتی با عنوان «پشت صحنه تحركات احساساتی» نوشت:**

● جوانی که هنوز ۳۰ سالش نشده است، در یک تجمع خیابانی شروع به داد و بیداد می‌کند و خواستار به خاک و خون کشیدن تل‌اوپو و حیفا می‌شود. بعد هم برای اینکه حرف‌هایش با مزه شود، چند جمله علیه دولت پزشکیان می‌بافد. خوش‌بینانه‌اش این است که گمان کنیم کورتا، لیبس‌ای، وینیسوس و جونیور و بغیه هم‌تیمی‌های سابقش دیدار کرد. او درباره زندگی‌اش در قطر صحبت کرد: «اینجا زندگی و امنیت کیفیت بالایی دارد و من خانواده‌ام راضی هستیم. در گذشته تعریف قطر را شنیده بودم و از انتخابم خوشحالم.» فوتبال آسیا و لیگ نخبانگ؟ «البته تفاوت بین لیگ قهرمانان اروپا و لیگ نخبانگ آسیا همچنان گرا است، ببینید، اصلانی توان این‌دو را باهم مقایسه کرد؛ درخبرا به ایران رفتم و یک بازی مقابل پرسپولیس داشتم و تفاوت ورزشگاه‌ها خیلی مشخص بود. همانجا متوجه شدم بین فوتبال اروپا و آسیا اختلاف زیادی وجود دارد. با این حال، در قطر علاقه به فوتبال به تدریج در حال افزایش است. کریستیانو رونالدو به قطر آمده بود و ۴۰ هزار هوادار برای دیدن او ورزشگاه را پر کردند، اما وقتی او تعویض شد، ۲۰ هزار نفر رفتند!» اشاره خوسلو به بازی مقابل النصر در لیگ قهرمانان آسیا بود و ستاره سابق رئال در این مورد با خنده و شوخی حرف زد.

❖ سیامک عباسی (زاده ۱۷ فروردین ۱۳۴۵) شاعر، ترانه سرا، آهنگساز، تنظیم‌کننده و خواننده ایرانی با انتشار پستی در اینستاگرامش با عکس پاسپورت و بلیت کانادا خبر مهاجرت خود را رسانه‌ای کرد. آهنگ‌هایی مثل عشق و خوشبختی آرزومه‌از مهمترین آثار این هنرمند هستند.

❖ سعیدرضا عاملی عضو شورای عالی فضای مجازی، در فیلمی که از او در فضای مجازی منتشر شد، در پاسخ به این سوال که تا آخر امسال فیلترینگ به کجا خواهد رسید، گفت: من فکر می‌کنم که باز می‌شود. یعنی این سیاست فیلترینگ تبدیل به حکمرانی داده می‌شود. در این حکمرانی نیز ما نباید فضایی را ایجاد کنیم که باز هم از میان آنها بسته شدن‌های گسترده به وجود بیاید. هدف این حکمرانی باید تأمین سلامت اجتماعی باشد. و در ادامه افزود: دبیر شورای عالی فضای مجازی گزارشی از مجموعه مصوبات قبلی در مدیریت داده‌های فضای مجازی با هماهنگ بحث فیلترینگ داده است. چند نفر هم اظهارنظر کردند. نه رای‌گیری انجام شد و نه بقیه فرصتی داشتند که اظهار نظر کنند. از جمله خود من علاقمند بودم که اظهار نظر کنم. آقای دکتر پزشکیان این موضوع را دیدند که دامنه بحث زیادی دارد؛ به یک کار گروه ارجاع دادند و بعدا هم آن را به معاون اول رئیس‌جمهور ارجاع دادند. قرار است دکتر عارف آن کار گروه را مدیریت کند و یک ایده‌ای از آنجا بیرون بیاید و در صحن شورای عالی فضای مجازی طرح شود.

❖ **سرهنگ رایعه جوانبخت، رئیس دایره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ، در خصوص آمار تصادفات فوتی باپنصت ۲۹ و ۳۰ آذر ماه ۱۴۰۲ اظهار داشت:** بر بررسی‌های صورت گرفته در شب یلدای سال گذشته متأسفانه شاهد ۵ تصادف فوتی که همه آنها م‌ذکر بودند و ۲ نفر آن بالای ۳۰ سال و ۱ نفر آن زیر ۳۰ سال

همچنان به تولید شمالی‌های محبوب ورزشی ادامه می‌دهد، کشور عجیبی هستیم. می‌توانید این را ناشی از یک نوع شوونیسم پنهان در وجود من بدانید اما معتقدم که این حجم استعداد در ورزش و هنرو بیزینس و استارت‌آپ، ما را سزوار در دوازده خشتی بی‌نهایت در جهان می‌سازد. شاید آگاهی بر این ظرفیت شکوفایی است که قدر نتمندان منطقه و جهان همه تلاش خودشان را می‌کنند که ما در موضع تدافعی باقی بمانیم. می‌دانم که نتیجه‌گیری انتهایی‌ام شاید با شروع مطلب همخوانی نداشته باشد اما فکر می‌کنم این کشور چگونه این توانایی را دارد که مدام زن و مرد متفاوت و کاریز ماتیک تولید کند؟ این چه ظرفیت غریبی است که در این خاک خفته است؟ حتی در سخت‌ترین روزها.

با یا را صدا می‌زند و شیوه‌ای که ذکر پیشوایان مذهبی را بر زبان می‌راند. او در مراسم استقبال مردم شهرش هم شیوه خاص خود را در رابطه با پدرش نشان داد. وقتی که سوار بر تریلی پدر وارد شهر شد و مسافتی را خودش راندگی کرد. او در این مورد گفته: پدر من راننده تریلی است و به همین دلیل و چون نماد کار پدرم است گفتم باید در مراسم استقبال باشد و متفاوت‌تر از بقیه باشد. من هم خیلی راندگی نکردم و حدود ۵۰ تا ۱۰۰ متر پشت فرمان بودم و بقیه مسیر را پدرم راندگی می‌کرد. درخواست دوستان بود که من کمی راندگی کنم. به هر حال پدر، پدربزرگ و عمو می راننده کامیون هستند و طبیعی است که من هم یاد بگیرم...

ایران حتی در سخت‌ترین بحران‌های اقتصادی

دکتر» رو دارن، و به‌ترین شکل ممکن همه چیز رو زیر نظر داشتن. بالاخره به اتاق مورد نظر رسیدیم. در آن اتاق یک میزی بود و یکی از همان بزرگواران؛ با این تفاوت که دیگه نگفت «کجا؟» - «بله؟» / «آقای دکتر رو می‌خواستیم ببینم...» / «کار تون چیه...» چالش به راه افتاد و خیالش رو راحت کردم که درسته که مریضم ولی اون مریضی‌ای که آدم الکی بره دکتر رو ندارم... با خودم می‌گفتم این دوستان که از لحاظ حساسیت شغلی از پزشک متخصص در رتبه پایین‌تری هستن اینقدر دقیق بودن، ببین خود دکتر چه سواسی داره. منتظر بودم به اتاق دکتر راهنمایی‌ام کنه که فرمود: «امروز که دکتر نیستی... فردا به سر برزین، اگه اومده بود، بهتون وقت میدم.» توانایی حرف زدن رو برای لحظاتی از دست دادم و فقط نتوانستیم سوال کنم که: «پس چرا از دم در تا اینجا، هیچکس هیچی نمیکه خب...؟»

واضح که اصلا جواب رو نداد و چشم به در دوخت که یعنی «خداحافظ شما، به سلامت.» مشغول ناسزا گفتن به زمین و زمان بودم و با خودم فکر می‌کردم که اصلا این مسئله وجدان کاری ربطی به جایگاه و رتبه ندارد و اساسا هیچ کس، کارش رو درست انجام نمیده.

روفتن خروج از در بیمارستان، صدای آشنایی مشقه افکار و فحش‌هایم را پاره کرد:

– «کجا؟...»

آرش خوشخو

بود و کار گرها دیگر دست پیش نداشتند. با این حال از ۱۳۲۸ و اوج گیری جریان نهضت ملی شدن نفت، حزب توده که به خاطر سوءتصد به جان محمدرضا در سال ۱۳۲۷ غیرقانونی اعلام شده بود بار دیگر توان سازماندهی خود را به کار انداخت و اعتصابات بزرگی در شرکت نفت و کارخانه‌های نساجی اصفهان رقم زد که داستان‌های طولانی دارند. حتی برخی این رشته اعتصابات را که تا اردیبهشت ۱۳۳۰ ادامه داشت را از دلائل سرنگونی کابینه علا و به قدرت رسیدن او سبب شهر شهر ها دست به اعتصاب می‌زنند. زنجیره اعتصابات در سال‌های ۳۰ و ۳۱ هم با تمام‌قوت ادامه یافت و این بار دولت ملی مصدق بود که هدف این- اعتصابات طراحی شده از سوی حزب توده قرار داشت. در شهریور ۱۳۳۱ کارگرهای نساجی در تهران، اصفهان، چالوس، تبریز و سایر شهرها دست به اعتصاب می‌زنند. کارگران راه آهن و معلمین مدارس آبادان در مهر ماه همان سال اعتصاب می‌کنند. کارگرهای شرکت نفت هم دیگر ضلع این مثلث ویرانگر را تشکیل می‌دهند. این اعتصابات تا بهار سال ۱۳۳۲ ادامه دارند و به نوعی خیانت آشکار حزب توده به دولت مصدق را نشان می‌دهند و ناخوسته فضا را برای کودتای ۲۸ مرداد آماده می‌کنند.

جالب آنکه بعد از کودتای ۲۸ مرداد همه این ماهیوی کارگری به پایان خط خود رسید. مثلاً از یک‌صد هزار کارگر موسسات نفت جنوب ۵۰ – ۶۰ هزار کارگر به سادگی اخراج شدند و تعداد کارگران شرکت نفت به حدود ۴۰۰۰ نفر کاهش پیدا می‌کند و هیچ واکنش خشونت‌آمیز کارگری در اعتراض به این اتفاق گزارش نمی‌شود. بعدها در سال‌های ۳۷ تا ۴۳ باز هم شاهد برخی حرکت‌های کارگری هستیم اما از میانه دهه چهل کل ماجرا تمام می‌شود.

یک داستان قدیمی: خیانت حزب توده

پیش کمونیست‌ها در ایران، شورای متحده مرکزی به عنوان بازوی کارگری کمونیست‌ها اعتصابات سراسری در خوزستان و در شرکت نفت را کلید زد. در واقع در این سال شورای متحده مرکزی، که اعتصاب‌های بزرگی را در اصفهان و خوزستان، رهبری کرده و به پیروزی رسانده بود، در اوج قدرت بود. در داخل کشور، حزب توده حزب ایران، حزب سوسیالیست ایران، حزب جنگل و فرقه دموکرات آذربایجان، شورای متحده مرکزی را به عنوان سازمان کارگری کشور به رسمیت شناختند. این شورا سازماندهی اعتصابات را بر دوش گرفت و توانست بر بیش از ۳۰۰ هزار کارگر صنعتی در سراسر ایران تأثیر گذار باشد. در تیرماه ۱۳۲۵ اعتصابات خوزستان ۴۷ کشته برجای گذاشت و جالب این که این اعتصابات دست آخر باوساطت حزب توده به پایان رسید. می‌توانید قدرت حزب توده را حدس بزنید. باحضور ارتش سرخ در ایران کسی جلودار این حزب نبود.

وقتی ماه عسل دولت و حزب توده در پاییز ۱۳۲۵ تمام شد و سه یا چهار وزیر توده‌ای عزل شدند (البته با کاتالیزور تهدید نامرخان از ایل قشقایی) و فرقه دموکرات هم آذربایجان را به ارتش ایران تسلیم کرد، دولت با تمام‌قوا به مواجهه با اعتصابات کارگری به‌خصوص در اصفهان پرداخت و با تبنای مالکین کارخانه‌های نساجی با ارتش و همین‌طور برخی از نیروهای مسلح عشایر، شاهد یک یورش ناگهانی به اعتصابیون اصفهانی بودیم. که داستان خونینی رقم زد. در سال‌های ۲۶ و ۲۷ در این اعتصابات به تدریج کاهش یافت. آن تورم کم‌رشد دوران اشغال تا حد زیادی کم شده بود و با کاهش تولید شرکت نفت که به خاطر تمام شدن جنگ دوم جهانی و کاهش احتیاج انگلیس به نفت شکل گرفته بود، نیاز به نیروی کار متخصص به شدت کم شده



پنجشنبه | ۲۹ آذر ۱۴۰۳ | شماره ۳۹۴۴

انتخاب

راهنمای خودروهای برقی

صفحات ۵ تا ۸

- خودرو
- موبایل
- استارت‌آپ‌ها
- بانک، بیمه
- طلا، دلار
- بورس
- صنایع غذایی
- مسکن
- گردشگری

بررسی ۶ خودروی برقی؛ واردات از مشرق تا مغرب

در روزهای سرد و آلوده تهران چه خودروهایی بخریم؟

داشبور

تعلل خودروسازان در پرداخت بدهی مراکز اسقاط خودروهای فرسوده

در این وضعیت آلودگی هوا، مراکز اسقاط را تحت فشار مالی نگذارید

رئیس انجمن مراکز اسقاط خودروهای فرسوده گفت: با گذشت ۴۵ روز از تحویل گواهی اسقاط خودروی فرسوده به خودروسازان هنوز برخی مراکز اسقاط، مبلغی در قبال گواهی‌های اسقاط شده، دریافت نکرده‌اند، محمود مشهدی شریف رئیس انجمن مراکز اسقاط خودروهای فرسوده درباره تأخیر در پرداخت بدهی خودروسازان به مراکز اسقاط خودروهای فرسوده گفت: برای مثال ۵ پرونده وجود دارد که بیش از ۴۵ روز از تأیید فاکتور آن‌ها در شرکت خودروساز گذشته؛ پول گواهی و لاشه از فروشنده خودروی فرسوده توسط خودروساز دریافت شده، اما مبلغی به مراکز اسقاط پرداخت نشده که فاکتور آن موجود است. وی افزود: شرکت‌های خودروساز دیگر هم در پرداخت مبلغ به مراکز اسقاط خودروهای فرسوده متفاوت هستند با تأخیر یک ماهه، ۲۰ روز یا ۱۵ روز؛ هر شرکت مدیران خود هم مدتی است گواهی اسقاط خریداری نکرده، زیرا به اندازه کافی در اختیار دارد و شاید دو تا سه ماه آینده گواهی اسقاط جدید خریداری نکند. مشهدی شریف اضافه کرد: شرکت‌های خودروسازی ایران خودرو و سایپا هم با استفاده از طرح جایگزینی خودروهای فرسوده به صورت میانگین ۲ تا سه گواهی اسقاط خودرو به دست می‌آورند. رئیس انجمن مراکز اسقاط خودروهای فرسوده گفت: در حال حاضر ۲۷ هزار خودرو در طرح جایگزینی خودروهای فرسوده خودروسازان ثبت‌نام شده که اگر برای هر دستگاه خودروی فرسوده ۳ گواهی اسقاط در نظر بگیریم حدود ۸۰ هزار گواهی اسقاط تولید می‌شود که برای شماره‌گذاری ۳۰۰ هزار دستگاه خودروی جدید کافی است. مراکز اسقاط خودرو را محل گواهی اسقاط خودروهای فرسوده در طرح جایگزینی خودروسازان در آمدنی ندارد و تنها هزینه اسقاط خودروی فرسوده به مراکز تعلق می‌گیرد که معاف از مالیات است. رئیس انجمن مراکز اسقاط خودروهای فرسوده با اشاره به اینکه بر طبق قانون، وظیفه قیمت‌گذاری بر عهده وزارت صمت است، گفت: مراکز اسقاط خودروهای فرسوده باید قیمت‌هایی را که وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرده است، تبعیت و رعایت کنند. به گزارش آیین‌نامه‌ده ۱۰۰ ماده ۲۷ آیین‌نامه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده یا همان آیین‌نامه‌ده ۱۰۰ قانون ساماندهی صنعت خودرو آمده وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است ضمن ایجاد ساز و کار فروش گواهی اسقاط در سامانه برای اشخاص حقیقی و حقوقی، حداقل قیمت خرید خودروی فرسوده را به تفکیک نوع و سال ساخت (مدل) با و برون حساب قیمت گواهی اسقاط به مراکز اسقاط ابلاغ و سامانه درج کند؛ اما این اتفاق هنوز نیفتاده است. مشهدی شریف اضافه کرد: قیمت گواهی اسقاط هر خودروی فرسوده ۲۵ میلیون تومان است، اما قیمت خرید خودروی فرسوده به تفکیک نوع خودرو هنوز از طرف وزارت صمت به مراکز اسقاط خودروهای فرسوده، ابلاغ نشده است. رئیس انجمن مراکز اسقاط خودروهای فرسوده با اشاره به اینکه عمدتاً تفکیک خودروها بر اساس وزن صورت می‌گیرد، گفت: با توجه به اینکه وزارت صمت تا کنون قیمت خرید خودروهای فرسوده را اعلام نکرده است بنابراین مراکز اسقاط خودرو براساس توافق با فروشنده خودروی فرسوده اقدام به خرید می‌کنند. وی افزود: قیمت پیشنهادی انجمن به مراکز اسقاط خودروهای فرسوده به این صورت بوده که قیمت خرید نقدی خودروی فرسوده، حدود ۷۸ تا ۸۲ میلیون تومان است و به نوع خودروی فرسوده بستگی دارد به شرط اینکه سال ساخت خودرو از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ باشد و اگر خرید نقدی نباشد پیشنهاد انجمن از ۸۸ تا ۹۲ میلیون تومان با پرداخت سه ماهه به فروشنده خودرو است. رئیس انجمن مراکز اسقاط خودروهای فرسوده گفت: دلیل انتخاب سه ماهه برای پرداخت پول خودروی فرسوده این است که حدود یک تا دو ماه از ثبت‌نام در سامانه تا بازدید افسران راهنمایی رانندگی، تأیید گواهی اسقاط و دیگر مراحل زمان می‌برد و پس از این مدت، گواهی اسقاط به خودروساز تحویل می‌شود. مواردی بوده است که ۴۵ روز از تحویل گواهی اسقاط خودروی فرسوده به خودروساز می‌گذرد، اما هنوز مراکز اسقاط خودرو پولی بابت گواهی پرداخت نکرده است. مشهدی شریف درباره شفاف نبودن اطلاع‌رسانی قیمت خودروهای فرسوده در مراکز اسقاط خودروهای فرسوده گفت: اعلام قیمت‌ها توسط انجمن مراکز اسقاط خودروهای فرسوده به مراکز الزام‌آور نیست، اما آنچه وزارت صمت و ستاد نوسازی ناوگان حمل و نقل و اسقاط خودروهای فرسوده به مراکز اسقاط خودروهای فرسوده اعلام می‌کند، الزام‌آور است. تا زمانی که وزارت صمت و ستاد نوسازی ناوگان، قیمت‌های خرید خودروهای فرسوده را به صورت رسمی اعلام نکرده‌اند، مراکز موظف به رعایت قیمت‌ها نیستند البته انجمن مراکز اسقاط خودروهای فرسوده، قیمت‌های پیشنهادی خود را ارائه داده است.

لکسوس GX ۲۰۲۴؛ شاسی‌بلندی که همه چیز را با هم دارد



شاسی‌بلندها همیشه نماد قدرت، استقامت و توانایی بوده‌اند اما لکسوس GX ۲۰۲۴ آمده تا استانداردها را به سطحی دیگر برساند. این خودروی جدید نه تنها انتظارات را برآورده کرده، بلکه آنها را از سقف گذرانده و نگاه‌ها را به خود خیره کرده است. GX ۲۰۲۴ همان لندکروزور لوکسی است که ماشین‌بازها سال‌ها را انتظارش را می‌کشیدند. لکسوس GX۵۵۰ با موتور ۳/۴ لیتری ۷۶ دو توربوشارژ، توان خروجی ۳۴۹ اسب بخار و گشتاور بی‌نظیر ۶۴۹ نیوتن‌متر را در اختیار راننده خود می‌گذارد. این قدرت کافی است این غول ۲/۵ تنی را به راحتی به سرعت بزرگراهی برساند. مصرف سوخت آن هم به ترتیب ۲۱، ۱۱ و ۱۷ مایل بر گالن در شهر، بزرگراه و ترکیبی است که برای یک خودروی شاسی‌بلند با این ابعاد و توانایی‌ها بسیار معقول به نظر می‌رسد. اما چیزی که بیش از همه جلب توجه می‌کند، قیمت رقابتی آن است؛ با شروع از ۶۲/۵۸۵ دلار، GX در حالی که بسیاری از رقبایا پشت سر می‌گذارند، از برخی خودروهای دو برابر گران‌تر نیز عملکرد بهتری دارد. طراحی خارجی GX جدید چیزی است که حتی سرسخت‌ترین منتقدان را به وجد می‌آورد. دیگر خبری از جلوپنجره‌های اغراق آمیز و عجیب نیست؛ بلکه طراحی دوکی‌شکل این بار با ظرافتی مدرن و شبکی باوقار همراه شده است. بدنه مربعی و هدفمند، حس قدرت و ماجراجویی را به شما القا می‌کند. وقتی وارد کابین GX می‌شوید، احساس می‌کنید لکسوس برای شما سنگ تمام گذاشته است. برخلاف جریان فعلی که همه چیز را به صفحه‌های لمسی سپرده‌اند، لکسوس کمه‌های فیزیکی واقعی را به راننده بازگردانده است؛ دکمه‌هایی که دقیقاً همان جایی قرار دارند که باید باشند. در کنار این‌ها، فضای داخلی با کیفیت و مجهز، تجربه‌ای لوکس و راحت را ارائه می‌دهد. لکسوس GX۵۵۰ گزینه‌های مختلفی برای شخصی‌سازی در اختیار خریداران قرار می‌دهد. اگر به دنبال لوکس بودن هستید، می‌توانید ترم‌هایی با صندلی‌های ماساژور و رینگ‌های ۲۲ اینچی انتخاب کنید. اما اگر عاشق ماجراجویی هستید، نسخه‌های آف‌رود با فناوری‌های خاص صخره‌نوردی و لاستیک‌های مخصوص تمام‌مسیر، همان چیزی است که می‌خواهید. در هر حالت، این خودرو یک همراه همه‌کاره و قدرتمند است که به راحتی از خیابان‌های شهری تا سخت‌ترین مسیرهای کوهستانی شما را همراهی می‌کند.

پس از رواج خودروهای برقی در دنیا و از سوی دیگر مصرف سرسام‌آور بنزین در داخل کشور و آلودگی هوا، مستولان ایرانی نیز تصمیم گرفتند تا به این قطار ملحق شوند و واردات و مونتاژ خودروهای برقی را جدی بگیرند. اکنون در نیمه دوم سال ۱۴۰۳ ما شاهد آن هستیم که پس از ملحق شدن ۱۷۰ تاکسی برقی به ناوگان تاکسیرانی تهران، برقی شدن خودروها چه مزایا، معایب و چالش‌هایی را با خود در پی دارد. در حقیقت بزرگ‌ترین مزیت این خودروها، کاهش آلودگی هوا و عدم یا کاهش مصرف حجم عمده‌ای از سوخت‌های فسیلی است اما در سوی مقابل بزرگ‌ترین چالش این خودروها در ایران کمبود انرژی برق و جایگاه‌های مخصوص به شارژ این خودروهاست. در تهران میزان جایگاه‌های شارژ این خودروها به قدری کم است که حتی رانندگان تاکسی‌های درون‌شهری که مسافت چندانی را طی نمی‌کنند، به شکل روزانه و مستمر با این موضوع مشکل دارند، چراکه پیمایش باتری این خودروها هنوز مطلوب نیست. در همین راستا ما در این گزارش به بررسی ۶ خودروی برقی موجود در کشور می‌پردازیم:

فولکس واگن ID4 crozz

قیمت: ۴۰ هزار دلار (۳ الی ۴ میلیارد تومان)

فولکس واگن ID ۴.Crozz، کراس‌اوور تمام الکتریکی آلمانی، با یک طراحی مدرن و آپشن‌های به‌روز، چند مدتی است که در جاده‌های ایران پرسه می‌زند. این خودرو توسط شرکت کهنه‌کار «ماموت خودرو» به کشور وارد می‌شود. این آلمانی اقتصادی به یک موتور الکتریکی با قدرت ۱۶۸ اسب بخار (۱۲۵ کیلووات) و گشتاور ۳۱۰ نیوتن‌متر مجهز است که نیروی خود را از طریق گیربکس تک‌سرعت به محور عقب منتقل می‌کند. باتری ۵۵/۷ کیلووات ساعتی این خودرو امکان پیمایش تا ۴۴۲ کیلومتر را فراهم می‌کند. شتاب صفر تا ۱۰۰ این آلمانی منیمال حدود ۹ ثانیه و حداکثر سرعت آن ۱۶۰ کیلومتر در ساعت است. از نظر طراحی نیز

فولکس واگن ID4 crozz

قیمت: ۴۰ هزار دلار (۳ الی ۴ میلیارد تومان)

فولکس واگن برای این محصول خود از خطوط دینامیک و جلوپنجره بسته، چراغ‌های LED ماتریکس و رینگ‌های آلومینیومی بهره برده است. فضای داخلی با نمایشگرهای دیجیتال و استفاده از مواد باکیفیت، تجربه‌ای مدرن و راحت برای سرنشینان فراهم می‌کند. ورود ID ۴.Crozz به ایران را می‌توان نماد توسعه بازار خودروهای الکتریکی کشور دانست. با این حال، به دلیل قیمت بالا و محدودیت‌های زیرساختی، این خودرو در حال حاضر بیشتر مورد توجه علاقه‌مندان به فناوری‌های نوین و دوستداران محیط‌زیستی است که از وضعیت مالی خوبی برخوردار هستند.

هونگچی EQM5

قیمت: ۱۷ هزار دلار (۲ میلیارد و ۱۳۷ میلیون تومان)

هونگچی EQM5، سدان الکتریکی لوکس ساخت چین، به تازگی توسط شرکت «بی‌ام کارز» به ایران وارد شده است. این خودرو حتی نگاه ناوگان پلیس کشور را به خود جلب کرده است، چراکه با شتاب خودروهای برقی احتمال متوقف کردن متخلفان بسیار بیشتر است. هونگچی EQM5 با یک موتور الکتریکی با توان ۱۸۸ اسب‌بخار و گشتاور ۳۲۰ نیوتن‌متر بهره می‌برد که نیروی خود را به محور جلو منتقل می‌کند. این موتور عملکرد روان و قدرتمندی ارائه می‌دهد که برای یک سدان خانوادگی و شهری ایده‌آل به نظر می‌رسد. باتری لیتیوم-یون با ظرفیت ۵۴ کیلووات‌ساعت در این خودرو به کار رفته که امکان پیمایش

هونگچی EQM5

قیمت: ۱۷ هزار دلار (۲ میلیارد و ۱۳۷ میلیون تومان)

خودروهای الکتریکی بسته است، همراه با چراغ‌های LED و طراحی عضلانی بدنه، به این خودرو ظاهری متمایز و شیک بخشیده است. کابین خودرو با نمایشگرهای دیجیتال، مواد باکیفیت و استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته طراحی شده و تجربه‌ای لوکس را به رانغان می‌آورد.

کیم‌سی EJ7

قیمت: ۱۹ هزار دلار (یک میلیارد و ۴۲۵ میلیون تومان)

جک ۷ برقی یکی از محصولات شاخص کمپانی جک (JAC) چین است که به واسطه کرمان موتور وارد کشور می‌شود. مطابق با آخرین آمار بین ۱۷۰ تا ۲۰۰ دستگاه از این خودرو به‌عنوان تاکسی در سطح شهر تهران فعالیت می‌کنند که نشان‌دهنده تمایل برای آینده‌ای پایدار در کلانشهرهاست. در قسمت طراحی با بدنه‌ای آلومینیک و خطوطی روان، مواجه هستیم که پس از رسیدن به قسمت جلویی

کیم‌سی EJ7

قیمت: ۱۹ هزار دلار (یک میلیارد و ۴۲۵ میلیون تومان)

خودرو چراغ‌های LED باریک و شبکه جلوپنجره بدون منافذ، این برقی چینی توجه شما را جلب می‌کند. سقف پانورامیک و چرخ‌های آلایزی ۱۸ اینچی نیز جلوه‌ای لوکس به این خودرو بخشیده است. این سدان برقی به یک موتور الکتریکی با قدرت ۱۵۰ کیلووات (معادل ۲۰۱ اسب بخار) و گشتاور ۲۴۰ نیوتن‌متر مجهز است. باتری لیتیوم-یونی ۶۰/۵ کیلووات‌ساعتی آن، با هر بار شارژ کامل، شمع حرکتی حدود ۵۰ کیلومتر را ارائه می‌دهد. قابلیت شارژ سریع نیز از دیگر مزایای این خودرو است که تنها در ۳۰ دقیقه، ۸۰ درصد ظرفیت باتری را شارژ می‌کند. داخل کابین این خودرو با یک نمایشگر مرکزی ۱۲/۳ اینچی، فرمان چندکاره و صندلی‌های چرمی با تنظیم برقی مواجه هستیم که به همراه یکسیستم تهویه مطبوع دو گانه و فیلتر هوا نیز تجربه‌ای لذیذ را برای سفرهای طولانی به ارمان می‌آورد.

پیکان وانت

قیمت: ۱۲۹۴

پیکان وانت، یکی از شناخته‌شده‌ترین خودروهای تجاری تاریخ ایران، به‌عنوان نسخه‌ای کاربردی‌تر از خانواده پیکان، نقش بی‌بدیلی در زندگی روزمره ایرانی‌ها ایفا کرده است. این وانت جان‌سخت، از زمان معرفی‌اش در دهه ۱۳۵۰، تا سال‌ها به‌عنوان یک خودروی باربری مطمئن و اقتصادی شناخته شد و همچنان جایگاه خاصی در خاطرات ایرانی‌ها دارد. پیکان وانت برای اولین بار در سال ۱۳۵۰ توسط ایران خودرو به خط تولید وارد شد. این خودرو بر اساس نسخه سدان پیکان طراحی شد، اما تغییرات ساختاری عمده‌ای در آن اعمال گردید تا بتواند نقش یک خودروی کار راه‌خوبی ایفا کند. تولید این وانت در طول چندین دهه ادامه یافت و در نهایت در سال ۱۳۹۴، تولید آن متوقف شد. برخلاف نسخه‌های

پیکان وانت

قیمت: ۱۲۹۴

سدان، جوانان و دلوکس که بیشتر برای استفاده شخصی طراحی شده بودند، پیکان وانت از ابتدا برای حمل بار ساخته شد. بدنه این خودرو به‌وضوح ساده‌تر و مستحکم‌تر بود. شاسی تقویت‌شده و اکسل عقب مقاوم، آن را قادر می‌ساخت تا بارهایی با وزن قابل توجه را جابه‌جا کند. فضای بارند بزرگ و فلزی این خودرو، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن بود. این فضای بار، در مقایسه با دیگر خودروهای مشابه، کارایی بیشتری داشت و مناسب مشاغل مختلف، از کشاورزی تا پخش مواد غذایی بود. همچنین، سیستم تعلیق عقب آن برای حمل بارهای سنگین تنظیم شده بود، در حالی که سیستم تعلیق جلوی آن، مشابه مدل‌های سدان بود.

آئودی Q5e-tron

قیمت: ۵۵ هزار دلار (۶ الی ۷ میلیارد تومان)

آئودی Q5 e-tron، کراس‌اوور تمام الکتریکی و پیشرفته آلمانی، سرانجام به ایران رسید و گامی جدید در جهت توسعه خودروهای برقی در کشور برداشته شد. این خودرو توسط شرکت «معین خودرو ایرانیان» وارد بازار ایران شده است، شرکتی که پیش‌تر نیز در عرضه خودروهای وارداتی لوکس و نیمه‌لوکس فعالیت داشته و حالا یکی از محصولات الکتریکی برجسته آئودی را به لوکس‌پسندان ایرانی معرفی کرده است. در بخش فنی، این کراس‌اوور الکتریکی با باتری ۸۳/۴ کیلووات‌ساعتی، برد پیمایشی معادل ۵۶۰ کیلومتر دارد و شتاب صفر تا ۱۰۰ آن تنها ۹/۳ ثانیه است. اگرچه بازار خودروهای برقی در ایران در حال گام گذاشتن روی نخستین پله‌هاست، اما ورود چنین

آئودی Q5e-tron

قیمت: ۵۵ هزار دلار (۶ الی ۷ میلیارد تومان)

خودروهایی نشان‌دهنده آغاز دورانی جدید است که می‌تواند نویدبخش حضور خودروهای پاک و مدرن در جاده‌های ایران باشد. با توجه به کلاس قیمتی آئودی می‌توان انتظار دیده شدن این آلمانی زیبا را در خودروهای تشریفات داشت. از نظر طراحی، این خودرو نمایی مدرن و آیروپنایمیک دارد که با جلوپنجره بسته و چراغ‌های LED ماتریکسی ترکیبی از زیبایی و فناوری را به نمایش می‌گذارد. فضای داخلی نیز با نمایشگرهای بزرگ دیجیتال، متریال ممتاز و طراحی مینیمال، حس یک خودروی آینده‌نگر را به سرنشینان القا می‌کند.

هوندا Ens1

قیمت: ۳۵ هزار دلار (۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان)

هوندا e:NS۱، کراس‌اوور الکتریکی ژاپنی، با طراحی مدرن و مشخصات فنی قابل توجه، به‌تازگی وارد بازار ایران شده تا یکی دیگر از نمایندگان شرکت «معین خودرو ایرانیان» در کشورمان باشد. این چهار چرخ ژاپنی به یک موتور الکتریکی با قدرت ۲۰۱ اسب بخار و گشتاور ۳۱۰ نیوتن‌متر مجهز است که نیروی خود را به محور جلو منتقل می‌کند. باتری ۶۸/۸ کیلووات‌ساعتی این خودرو امکان پیمایش تا ۵۱۰ کیلومتر را به هر بار شارژ فراهم می‌کند. شتاب صفر تا ۱۰۰ این سامورایی حدود ۷/۶ ثانیه و حداکثر سرعت آن ۱۶۰ کیلومتر در ساعت است. از نظر طراحی، این سامورایی برقی با خطوط دینامیک و جلوپنجره

هوندا Ens1

قیمت: ۳۵ هزار دلار (۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان)

بسته، نمایی آینده‌نگر را به چشمان شما ارائه می‌دهد. چراغ‌های LED و رینگ‌های آلومینیومی به جذابیت ظاهری آن افزوده‌اند. فضای داخلی این خودروی هوندا با استفاده از نمایشگرهای دیجیتال و مواد باکیفیت، تجربه‌ای مدرن و همراه با آسایش را برای سرنشینان فراهم می‌کند. ورود e:NS۱ به ایران می‌تواند نشانه خوبی از وجود خودروهای برقی در کلاس‌های مختلف قیمتی و کیفیتی در بازار باشد. با توجه به محدود بودن همیشگی بازار خودروی ایران شاید بتوان امید داشت که این گره در مورد خودروهای برقی حل شود.

اسکای‌ول ET5

قیمت: ۳۰ تا ۳۵ هزار دلار (۵/۲ الی ۳ میلیارد تومان)

قدرت شتابدهی عالی می‌دهد، به‌طوری که می‌تواند در حدود ۸/۸ ثانیه از حالت سکون به سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ساعت برسد. باتری لیتیوم فسفات آهن (LiFePO۴) با ظرفیت ۷۳/۲ کیلووات‌ساعت، این امکان را فراهم می‌آورد که اسکای‌ول ET5 با یک بار شارژ، حدود ۵۱۰ کیلومتر پیمایش داشته باشد. این مقدار پیمایش طبق استاندارد WLTP، برای استفاده‌های شهری و مسافرت‌های لذت‌بخش‌تر می‌کند.

اسکای‌ول ET5

قیمت: ۳۰ تا ۳۵ هزار دلار (۵/۲ الی ۳ میلیارد تومان)

طولانی‌مدت کاملاً مناسب به نظر می‌رسد. اسکای‌ول ET5 در زمینه راحتی و امکانات داخلی نیز دست کمی از رقبای خود ندارد. کابین این خودرو با چرم‌های باکیفیت و تزئینات مدرن، فضایی دلنشین و لوکس را برای سرنشینان فراهم می‌آورد. سیستم اطلاعاتی و سرگرمی پیشرفته همراه با داشنه‌باز، این مقدار پیمایش صوتی حرفه‌ای، تجربه رانندگی را لذت‌بخش‌تر می‌کند.

وب گردی

پیکان وانت؛ اسب بارکش ایرانی‌ها



نامه‌های جنجالی وکیل حسینی

مدافع بزرگ این روزهای وکلا، رئیس کانون وکلای سمنان است

رئیس کانون وکلای دادگستری سمنان این هفته دو نامه در واکنش به اظهارات اخیر محمدتقی نقدعلی مبنی بر دفاع از قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار در حوزه وکالت و سخنان معاون فناوری اطلاعات قوه قضائیه در خصوص پیامدهای طراحی سامانه مبتنی بر هوش مصنوعی برای ارائه خدمات حقوقی بدون مشارکت متخصصان حرفه و کالت و نمایندگان کانون‌های وکلا نوشته است که او را به عنوان یکی از فعال‌ترین مدافعان از فضای فملی و کالت درآورده است.

۱ نقد اظهارات نقدعلی

حجت‌الاسلام محمدتقی نقدعلی در گفت‌وگویی با خبرگزاری خانه ملت در دفاع از قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار عنوان کرده بود: قانون تسهیل، امید بسیاری بین حقوق‌خواندگان برای رفع انحصار از پذیرش وکالت ایجاد کرد. نقد علی مدعی شده بود: اصلاح بخش مربوط به وکالت در قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار محرومیت ۴۰ تا ۸۰ درصدی قبول شدگان وکالت

نکته

دو نکته دیگر در مورد صلاحیت دادگاه‌های صلح در سنامه‌های حقوقی برای زندگی روزمره – ۱۰۶

مهتاب سبحانی وکیل دادگستری

بحث در مورد دعاوی ملکی و دادگاه‌های صلح را با ۲ نکته مهم در خصوص صلاحیت دادگاه صلح در دعاوی ملکی ادامه می‌دهیم.
۱ در خصوص بحث افزایش و کاهش خواسته چند نکته مهم وجود دارد.

اول با بایستی بدانیم افزایش و کاهش خواسته چیست؟ زمانی که شما به عنوان خواهان در مسیر رسیدگی به دعوی تصمیم می‌گیرید، اگر بخواهید خواسته خود را بیشتر و یا کمتر کنید، باید یک سری قواعد و مقررات را رعایت کنید.

مهم‌ترین قاعده در این مبحث زمان افزایش و کاهش خواسته است که در مورد افزایش خواسته، زمان تعیین شده تا پایان اولین جلسه رسیدگی است و رویه بدین صورت است که تا پیش از امضای صور جلسه و پیش از پایان اولین جلسه رسیدگی، امکان افزایش خواسته وجود دارد و پس از پایان آن دیگر

روزی روز گاری وکالت (۳۶)

پشت دریاها شهری است...

دریا در دنیای حقوق و قضا

ابراهیم ایوبی وکیل دادگستری

در یک تقسم‌بندی کلاسیک، گرایش‌های حقوق به دو دسته داخلی و خارجی (بین‌المللی) تقسیم می‌شود که هر کدام از این‌ها نیز دارای دو قسمت عمومی و خصوصی است. منظور از خصوصی تنظیم روابط اشخاص عادی بوده و در روابط عمومی، پای دولت‌ها به میان می‌آید. موضوع دریا در دنیای حقوق در دو سطح قابل بررسی است. «حقوق دریاها» که زیر شاخه حقوق بین‌الملل عمومی است و به موضوعات مربوط به دریاها، مالکیت کشورها بر دریا و عبور از دریاهای آزاد می‌پردازد که در کتاب‌های حقوق بین‌الملل عمومی بررسی می‌شود. اما حقوق دریایی، به قواعدی می‌پردازد که مربوط به کشتیرانی و حمل و نقل دریایی و دریانوردی است و در نتیجه زیر شاخه حقوق خصوصی است. هر کدام از این دو حوزه مرتبط به دریا، منابع حقوقی خاص خود را دارد که مهم‌ترین آن در نظام حقوقی ما قوانین و مقررات و رویه‌های قضایی است.

اصل ۴۵ قانون اساسی به موضوع دریا اشاره دارد: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا راه‌شده، معادن، دریاهای دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی...در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید، تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.» بر مبنای اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در اختیار رهبری است. در ۱۶ آبان ماه ۱۴۰۲ «سیاست‌های کلی توسعه‌ترین محور» در ۹ بند ابلاغ شد که مهم‌ترین فرازهای آن عبارت است از: سیاست‌گذاری یکپارچه امور دریایی برای احراز جایگاه شایسته جهانی، تدوین طرح جامع توسعه دریامحور خصوصا در سواحل و

پشت دریاها شهری است...

پشت دریاها شهری است...

پشت دریاها شهری است...

را در پی دارد.

رئیس کانون وکلای دادگستری سمنان، در پاسخ به او نوشته است:

در شهر کوچک «بیارجمند» در استان سمنان، با جمعیتی حدود پنج هزار نفر که اغلب آنان کهنسال‌اند، شاهد حضور ۳۴ وکیل و ۶ کارآموز وکالت هستیم. این آمار، بدون احتساب وکلای وابسته به نهادهای موازی است. در شهری که عمده پرونده‌ها به شکار غیرمجاز و تصادفات جاده‌ای محدود می‌شود، وکلادر انتظار حاد‌های نشسته‌اند تا شاید فرصت اندکی برای فعالیت پیدا کنند. ایمن تصویر، نه نمایانگر عدالت، بلکه سندی است بر شکست سیاست‌گذاری‌هایی که بدون درک از واقعیت‌های اجتماعی، حرفه مقدس وکالت را به بحرانی بی‌سابقه کشانده‌اند.

قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، با شتاب‌دگی و بدون تأمل بر نیازهای واقعی جامعه و زیرساخت‌های موجود، تصویب شد و حرفه وکالت را به عرصه رقابت

افرادی تبدیل کرد که اغلب فاقد حداقل‌های علمی و حرفه‌ای هستند.

۲ علیه هوش مصنوعی

از سوی دیگر اخیرا معاون فناوری اطلاعات قوه قضائیه در یک سخنرانی در جمع دانشجویان از اقدام این معاونت از طراحی سامانه مبتنی بر هوش مصنوعی برای ارائه خدمات حقوقی خبر داده بود.

رئیس کانون وکلای سسمنان در نامه‌ای خطاب به رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس نوشت: موضوع طراحی سامانه مبتنی بر هوش مصنوعی برای ارائه خدمات حقوقی، که اخیراً از سوی معاونت فناوری اطلاعات قوه قضائیه در جمع تعدادی از دانشجویان مورد تأکید قرار گرفته است، نگرانی‌های عمیقی را در میان وکلای دادگستری و جامعه حقوقی کشور ایجاد کرده است.

این اقدام، که بدون مشورت و مشارکت متخصصان حرفه وکالت و نمایندگان کانون‌های وکلای دادگستری صورت گرفته، می‌تواند پیامدهای جدی و جبران‌ناپذیری برای

بسته به مورد اساسا نمی‌پذیرد به دعوی رسیدگی کند.
راهکاری که به عنوان وکیل برای شما دراین حالت می‌توانم پیشنهاد کنم این است که به جای افزایش خواسته، اقدام به طرح دعوی مجزا کنید و نه اینکه همان خواسته را افزایش دهید. البته این راه در صورتی امکان پذیر است که صلاحیت ذاتی خواسته شما برای همان دادگاه متصور باشد.

و اما در مورد کاهش خواسته. سوال این است که اگر دعوی را در دادگاه عمومی مطرح کنید چرا که صلاحیت آن به دادگاه عمومی منتهی می‌شد، اما پس از مدتی در روند رسیدگی خواسته خود را کاهش دادید و خواسته کاهش یافته از صلاحیت دادگاه عمومی خارج و در صلاحیت دادگاه صلح قرار گرفت تکلیف چیست؟
این موضوع اختلافی است. برای این فرض، نظریه مشورتی وجود دارد که در سال ۱۳۹۹ و در زمان حکومت قانون قدیم شورای حل اختلاف تنظیم شده است که به موجب آن اگر

دیوان عالی کشور» به قلم دکتر حسن محسنی استاد آیین دادرسی مدنی دانشگاه تهران منتشر نموده که ۱۹ رأی از جمله آرای مربوط به حوزه حمل و نقل دریایی را در خود دارد.

اکنون دو لایحه با موضوع دریا در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شده و در دست بررسی است؛ نخست، «لایحه تشکیل دادگاه دریایی» که با هدف رسیدگی به دعاوی دریایی در حوزه قضایی تهران و استان‌های ساحلی مازندران، گلستان، گیلان، بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و استان‌های دارای رودخانه قابل کشتیرانی تشکیل خواهد شد. این لایحه ۴۹ ماده‌ای در صورت تصویب به اموری چون تشکیل دادگاه دریایی با صلاحیت‌های خاص، ابلاغ، رسیدگی به دلایل، توقیف کشتی، داوری، اجرای آرا و رسیدگی به جرائم دریایی می‌پردازد. مورد دوم «لایحه حفاظت رودخانه‌ها و کاهش ظرات سیل» است که هدف از ۲۱ ماده آن جلوگیری از خسارات سیلاب‌هاست.

روز سه‌شنبه نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا بالاترین مدال افتخار غیرنظامی را به تمام کروز به دلیل کمک‌های او به ارتش به خاطر بازی در نقش‌هایی در فیلم‌های سینمایی چون «تاپ‌گان» (نقش یک عضو نیروی دریایی) اعطا کرده است. در ایران ۷ آذر روز نیروی دریایی نام دارد و علت نام‌گذاری به دلیل عملیات موفق و پیچیده‌ای است که در این روز انجام گرفته و در مستند تلویزیونی «دریا بی کران است» به تصویر کشیده شده است. داستان فیلم‌های سینمایی «جنگ نفت کش‌ها» و «کشتی آنجلیکا» نیز روی ریا رخ می‌دهد.
❖برای ارتباط با وکیل می‌توانید به ایمیل زیر یا آیدی EbrahimAyoubi در شبکه ایکس (توییتر) رجوع کنید.

ebrahim.ayoubi@ut.ac.ir

در دادگاه، خواهان، خواسته خود را کاهش داد و خواسته از صلاحیت دادگاه خارج شد، در این حالت دادگاه نباید به اعتبار شورای حل اختلاف قرار عدم صلاحیت صادر کند زیرا به موجب ماده ۲۶ قانون آئین دادرسی مدنی مناسط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است اما در این نظریه مشورتی در ادامه آمده است که اگر (توسط دادگاه عمومی) به هر دلیلی قرار عدم صلاحیت صادر شد، شورا مکلف به رسیدگی است چرا که شورا به موجب قانون حق مخالفت با دادگاه را ندارد.

امسا در خصوص دادگاه صلح ایسن تکلیف به تبعیت وجود ندارد و در صورت حدوث اختلاف این چنینی، حل اختلاف با دادگاه تجدیدنظر استان است. این مطلب نشان اختلافات گاه و بیگاه میان دادگاه‌ها با یکدیگر و شورا با دادگاه‌هاست. به موجب قانون جدید قطعا اختلافاتی میان دادگاه صلح و دادگاه عمومی هم به وجود خواهد آمد. آگاهی از موارد بالا، در این مسیر راهگشاست.

❖ نکته دوم در مورد طرح چند خواسته

در دادخواست است. همان طور که در مطلب پیشین بیان شد، اصل استقلال خواسته به معنای این است که هر خواسته مستقلا تعیین کننده صلاحیت است بنابراین بایستی مجزا به آن نگاه کرد و نمی‌توان مجموع خواسته‌ها را در تعیین صلاحیت تعیین کننده دانست. پس اگر شما خواسته‌ای که در صلاحیت دادگاه عمومی است با چند خواسته مطرح کردید که در صلاحیت دادگاه صلح است با عدم صلاحیت مواجه خواهید شد. البته اگر شما چند خواسته را در دادگاه عمومی حقوقی مطرح نمایید و یکی از آن‌ها در صلاحیت دادگاه صلح باشد، بسته به مورد در صورتی که مهم‌ترین خواسته آن دادخواست، در صلاحیت دادگاه عمومی باشد به همگی در همان دادگاه رسیدگی خواهد شد.

❖ راه ارتباطی با وکیل:
mahtabsahabi.com
وب سایت:
vakil_sahabii@ایستگرام:

راه ارتباطی با وکیل:
mahtabsahabi.com
وب سایت:
vakil_sahabii@ایستگرام:

رای

رابطه با قصد ازدواج، تجاوز نیست!

وی بگیرد تا زنگ برای من نزند. مادرش گفت تو گوشی‌ات را خاموش کن و من هم یک ماه گوشی‌ام را خاموش کردم بعد از یک ماه زنگ زد گفت من می‌روم شکایت می‌کنم.

زهرام گفت:

من رفتم بیمارستان فقط به ایشان نصیحت کردم که خواهر من نگاه کن که خانواده اینها یک دنده هستند و اگر گفتند بله همان است و اگر گفتند نه همان نه است دیگر حرف کسی تأثیر ندارد و من کارم داخل تاکسی تلفنی بوده و من فقط با ایشان داخل ماشین نشسته و نزدیک بیمارستان دور زدم و برگشتم همان بیمارستان حتی بعد از این قضیه ایشان که دستگاه گوشی موبایل به من داد که بدهم به نادر ولی من این کار را نکردم و پهلوی من است که هر وقت کسی آمد به ایشان بدهم. دادگاه از شاکمی می‌پرسد که آیا آدرس خانه را بلد هستی و او می‌گوید نه.

دادگاه در نهایت در خصوص اتهام زنی به عنف متهمان را تبرئه کرده و هم شاکمی و هم آقای نادر را به دلیل رابطه مادن زنا به ۸۰ ضربه شلاق و خانم زهرار را به ۵۰ ضربه شلاق محکوم می‌کند. اما این رای با فرجام خواهی به دیوان عالی کشور می‌رود و دیوان عالی رای می‌دهد که فرجام خواهی وارد نیست زیرا دادگاه با در نظر گرفتن ارتباط آنان که بنا به اظهارات هر دو در حد خلوت داخل ماشین و ارتباط تلفنی و بدون اینکه بین آنان شرعا صیغه حریمیت بوجود آمده باشد وجود داشته است رأی خود را صادر کرده است و از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی نیز لحاظ مراتب قانون آئین دادرسی کیفری مورد توجه دادگاه در پرونده بوده است و موجبی جهت نقض رأی به‌نظر نمی‌رسد.

در خصوص برائت متهمان از حیث اتهام تجاوز به عنف و معاونت در جرم مذکور نیز با توجه به اینکه شاکمی هیچگونه دلیلی بر ارتکاب زانی به عنف و تجاوز به عنف نسبت به خودش ارائه نداده است و صرف نظریه پزشکی که دلالت بر احتمال دخول داشته اثبات بزه زنا را نمی‌کند و اینکه رضایت او به داشتن رابطه با متهم به قصد ازدواج مبین عدم وقوع بزه تجاوز به عنف از جانب متهم نسبت به شاکمی بوده، تجاوز را محرز نمی‌نماید و چون جرمی تحت عنوان تجاوز به عنف محقق و ثابت نشده است معاونت در بزه نیز موضوعاً منتفی بوده و رأی صادره از دادگاه محترم در این قسمت نیز فاقد ایراد و اشکال قانونی است.

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

زهرام گفت:

شاهین فرهت



«آهنگساز، موسیقیدان و مدرس موسیقی درباره علاقه به رادیو» من همیشه به یاد رادیو هستم. قبل از اینکه برای ادامه تحصیل بروم، سال‌ها در رادیو کار کرده‌ام و رادیو مثل خانه من است و دوستش دارم. بله، من در استودیو هشت رادیو نمایش بودم. من در آنجا چند تا رسییتال پیانو اجرا کردم. تا سال ۱۳۵۱ و بعد از آن به خارج از ایران رفتم. بار رادیو همکاری داشتم. وقتی برگشتم باز می‌خواستم در رادیو خدمت کنم اما به دانشگاه رفتم و در آنجا به عنوان استاد استخدام شدم. جالب اینجاست که حتی سوابق کار کردنم در رادیو در دانشگاه هم حساب شد. من همیشه به یاد رادیو هستم.

برنامه استودیو هشت ۲۷ آذر

مجید قناد



عضو هیات مدیره خانه تناثر هستم و برای اعضای خانه تناثر فعالیت می‌کنیم. در کنار آن تدریس در دانشگاه را هم دارم؛ ضمن اینکه خودمان هم در کنار دانشجویان سعی می‌کنیم بیشتر از آنها یاد بگیریم. ما را نمایش ندادند که این مسائل برای من عادی شده. بیشتر به دنبال اندیشه نو و یک فکر نو هستم که یک اتفاق در خودم بیفتد بعد آن اتفاق را به دیگران هم بدهم. متأسفانه این اتفاق نمی‌افتد. انشاءالله که شامل موهبت الهی شوم و در خودم اتفاق قشنگ بیفتد و فیلم خوبی بسازم. دو فیلم را همینطوری ساختم که گذشته، بچه‌های این روزها را که از نظر جسمی خردسال ولی از نظر ذهنی بزرگ هستند، جذب کرد.

خبر آنلاین ۲۷ آذر

ابوالفضل جلیلی



دو فیلم آماده پخش دارم. مکرر به من می‌گویند چرا کار نمی‌کنی؟ من کار می‌کنم، منتها کمی از اینکه پشت سرهم تبلیغات کنیم که داریم فیلم می‌سازیم، پشت صحنه و صحنه خسته شده‌ام. انقدر فیلم‌های ما را نمایش ندادند که این مسائل برای من عادی شده. بیشتر به دنبال اندیشه نو و یک فکر نو هستم که یک اتفاق در خودم بیفتد بعد آن اتفاق را به دیگران هم بدهم. متأسفانه این اتفاق نمی‌افتد. انشاءالله که شامل موهبت الهی شوم و در خودم اتفاق قشنگ بیفتد و فیلم خوبی بسازم. دو فیلم را همینطوری ساختم که گذشته، بچه‌های این روزها را که از نظر جسمی خردسال ولی از نظر ذهنی بزرگ هستند، جذب کرد.

ایرنا ۲۶ آذر

محمد قوجانی



به عنوان یک ایرانی فکر می‌کنم باید نسبت به آنچه کشور ترکیه در حوزه تولیدات سینمایی انجام می‌دهد، هشدار داد. تشکیلات سیاسی حاکم بر ترکیه توجه بسیاری روی تولیدات هنری دارند و در حال به مصادره درآوردن تاریخ به نفع ترکیه هستند. چطور ممکن است که ترکیه تاریخ عثمانی را که فقط ۶۰۰ سال قدمت دارد، با این شکوه روایت کند و مانسبت به ۲۵۰۰ سال تاریخ و تمدن رسمی و ثبت شده و مستند خود غافل باشیم... این عجیب است که در سینمای ما راجع به هر سوزهای فیلم ساخته می‌شود اما در ۴۵ سال گذشته هنوز فیلمی پیرامون امام موسی صدر ساخته نشده است.

برنامه هفت ۲۳ آذر

محمد طلادی



ما در اینستاگرام با محدودیت‌های جدی مواجه هستیم. برای مثال، صفحه برنامه تلویزیونی «نوسان» در مدت کوتاهی، مثلاً حدود یک ماه، ۲۰ هزار فالوئر جذب کرد اما به دلیل محدودیت‌هایی که اعمال شد، این رشد متوقف شد. این محدودیت‌ها شامل دیده نشدن صفحه در اکسپلورر، عدم ارسال نوتیفیکیشن به مخاطبان و محدودیت در نمایش پست‌ها می‌شود. حتی وقتی کامنت‌ها را بررسی می‌کنیم، متوجه کاهش شدید بازخوردهای می‌شویم. برای مثال، ماه اول صفحه حدود هفت هزار کامنت دریافت کرد، اما حالا گاهی تعداد کامنت‌ها به پنج یا هفت عدد می‌رسد. این نشان می‌دهد که مخاطبان به دلیل این محدودیت‌ها (قوانین سیاسی اینستاگرام) کمتر به محتوای ما دسترسی پیدا می‌کنند.

خبرگزاری مهر ۲۸ آذر

برف آخر امین

چهره هفته

امین حیایی

فیلم «برف آخر» به کارگردانی امیرحسین عسگری پس از سه سال، اکران عمومی شد. این فیلم یکی از مهمترین تجربیات متاخر امین حیایی است که برای آن از جشنواره چهلیم فیلم فجر سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول مرد را دریافت کرد. «برف آخر» روایت زندگی یک دامپزشک در استان مازندران است. لادن مستوفی، مجید صالحی و امیر مشهدی از دیگر بازیگران فیلم هستند. آخرین فیلمی که از امین حیایی اکران شد، «هاوایی» به کارگردانی بهمن گودرزی بود. این فیلم سال ۱۳۹۹ ساخته شد و در آن با امیرجعفری و امیرحسین رستمی همبازی بود. «هاوایی» سال ۱۴۰۲ اکران شد و با فروش ۸۳ میلیارد تومانی توانست بعد از دو فیلم پرفروش «فسیل» و «هتل»، سومین فیلم پرفروش گیشه در این سال لقب بگیرد. این فیلم پای یک میلیون و ۷۰۰ هزار مخاطب را به سینماها باز کرد. حیایی چند فیلم دیگر هم در نوبت اکران دارد: «۲۸۸۸» به سه کارگردانی کیوان علی محمدی و علی اکبر حیدری، «کوکتل مولوتوف» به کارگردانی امیرحسین دوماری و «غریزه» به کارگردانی سیاوش اسدی. علاوه بر اینها فیلم «قاتل و وحشی» حمید نعمت‌الله هم جزو آثاری است که شاید طلسم آن در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر شکسته شود و مخاطبان یک تجربه خاص دیگر از حیایی را ببینند.



فیلم‌های آخر هفته

شبکه نمایش
پنجشنبه/ ۲۹ آذر
سرجیو کوربوچی / ساعت یک بامداد
گوچک جنگلی / ساعت ۱۳
ملاقات با آقای مجری / ساعت ۱۵
خداحافظ اسلا / ساعت ۱۷
روز دوازدهم دسامبر / ساعت ۱۹
برادر / ساعت ۲۱
آنتی‌افروز / ساعت ۲۳
جمعه/ ۳۰ آذر
جاسوسی که از سردسیر آمد
ساعت یک بامداد
هیم / ساعت ۱۱
حوض نقاشی / ساعت ۱۳
چمدان / ساعت ۱۹

شبکه یک
پنجشنبه/ ۲۹ آذر
منظره / ساعت ۲۳:۳۰
جمعه/ ۳۰ آذر
خوش رکاب / ساعت ۱۶

شبکه دو
پنجشنبه/ ۲۹ آذر
پنیم‌خانه ایران / ساعت ۲۲:۵۵
جمعه/ ۳۰ آذر
برگ و باد / ساعت ۸
فروچاله / ساعت ۲۲:۵۵

شبکه سه
پنجشنبه/ ۲۹ آذر
برادران فراری ۳ / ۳۰ دقیقه بامداد
جمعه/ ۳۰ آذر
پرستار تصادفی / ساعت ۸:۳۰

شبکه چهار
جمعه/ ۳۰ آذر
آن سوی ابرها / ساعت ۲۰:۳۰

شبکه تهران
پنجشنبه/ ۲۹ آذر
صخره مرجانی / ساعت ۱۳:۳۰
جمعه/ ۳۰ آذر
سفر داوود / ساعت ۹
موفقیت بزرگ / ساعت ۱۳:۳۰

شبکه کودک
پنجشنبه/ ۲۹ آذر
کتاوران کهکشانی / ساعت ۱۴
جمعه/ ۳۰ آذر
توربو / ساعت ۱۴

شبکه امید
پنجشنبه/ ۲۹ آذر
دفتر کار آگاهی‌ها و کیوبیوتکا / ساعت ۱۸
جمعه/ ۳۰ آذر
عزیز میلیون دلاری / ساعت ۱۸

شبکه افق
پنجشنبه/ ۲۹ آذر
کجا می‌روی ای‌دا / ساعت ۱۰
جمعه/ ۳۰ آذر
خیلی دور، خیلی نزدیک / ساعت ۱۸:۳۰

شبکه سلامت
پنجشنبه/ ۲۹ آذر
خانواده بی‌نظیر / ساعت ۱۱

پیشنهاد ویژه هفته

فیلم سه‌دختر او | فیلمو



پرتاب گرانشی / پنجشنبه/ ساعت ۲۰:۳۰ / شبکه چهار

کارگردان: میکائیل هافستروم
بازیگران: کیسی افلک، لارنس فیشرن و امیلی بیچم
محصول: آمریکا، مجارستان و اندونزی
۲۰۲۴



فیلم، داستان یک گروه سه نفره از فضانوردان نخبه را روایت می‌کند که در یک مأموریت چند ساله به قمر تایتان سیاره زحل، سفر می‌کنند. اکنون در حالی که تیم برای یک مانور پرتاب بسیار خطرناک آماده می‌شود که آن‌ها را به اعماق فضا پرتاب می‌کند، یکی از فضانوردان به سختی می‌تواند تسلط خود بر واقعیت را حفظ کند. فیلم در عین پرداختن به موضوعی علمی-تخیلی در واقع رویکردی کاملاً روانشناختی دارد و بر طبق اطلاعات علمی یافت شده تا به امروز به تأثیر به هم خوردن چرخه خواب و زندگی در انزوای مطلق روی ذهن می‌پردازد. فیلمنامه اثر جفت و بست ساختاری بسیار خوبی دارد.

باشگاه رویال / جمعه/ ساعت ۱۴:۱۵ / شبکه سه

کارگردان: مارسل سارمینتو
بازیگران: امین جوزف، الیزابت رم، اولیویا هولگوبین، آندریا ناودو و نیک بیشوپ
محصول: آمریکا / ۲۰۲۲



داستان فیلم که بر اساس ماجرای واقعی با بازی ساخته شده، از این قرار است: ویلی میز آیکنز قهرمان سابق بیسبال است که در سال ۱۹۸۰ میلادی، به خاطر حمل ۵۰ گرم کوکائین و به خاطر قوانین سختگیرانه آمریکا به حدود ۲۱ سال زندان محکوم شده. ویلی که جوانی خانواده‌دوست و مهربان است، به خاطر حسن خلق و البته با تلاش‌های فراوان و کیش، بعد از ۱۴ سال به صورت مشروط آزاد می‌شود. او از همان ابتدای آزادی تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا بلکه دوباره، سسارا همسرش و کامیلا دختر نوجوانش که اکنون ۱۷ سال دارد، به او بپیوندند.

برادران فراری ۳ / جمعه / ساعت ۰۰:۳۰ دقیقه بامداد / شبکه سه

کارگردان: هو پونگ ماک
بازیگران: آدام تین نام پک، کریستین نگ و هانا چان
محصول: هنگ کنگ / ۲۰۲۲



هو چون زندانی خطرناک و کلاهبردار در قسمت دوم موفق به فرار نشده و حتی به دلیل پرداخت رشوه به رئیس زندان، باعث شد او نیز زندانی شود. هو چون و رئیس سابق زندان با هم متحد می‌شوند تا از زندان فرار کنند. رئیس سابق زندان نقشه می‌کشد که نیروهای تاسیسات برای تعمیرات وارد زندان شوند تا او و هو چون در لباس نیروهای تاسیسات از زندان خارج شوند. رئیس سابق موفق می‌شود همراه تیم تاسیسات شده و با کمک یکی از نگهبان‌ها به در خروجی زندان برسند اما نگهبان رئیس جدید و زندانی‌های قدیمی از نقشه آنها با خبر می‌شوند...

نمای کلی

کارگردان:
آزازل جیکوبز
بازیگران:
کری کون، ناتاشا لیون،
الیزابت اولسن، جی او سندرز،
رودی گالوان، جوان آدپو و...
محصول:
آمریکا/ ۲۰۲۳
موسیقی:
رودریگو آمارانتو
فیلمبرداز:
سام لوی
توزیع کننده:
تفلیکس
رتبه در IMDb:
۱۰/۷/۲

درباره فیلم

خلاصه داستان فیلم سه دختر او His Three Daughters از این قرار است: سه خواهری که رابطه چندانی با هم ندارند، در آپارتمانی در نیویورک دور هم جمع می‌شوند تا از پدر بیمار خود در آخرین روزهای زندگی‌اش مراقبت کنند و همچنین تلاش دارند تا رابطه از هم گسیخته‌شان با هم را بهبود بخشند. آیا آنها بعد از پدرشان، همدیگر را خواهند داشت... به نوشته فیلم‌موشات، آزازل جیکوبز، پسر فیلمساز بزرگ سینمای تجربی کن جیکوبز، نویسنده، کارگردان و تدوینگر سه دختر او است. او فعالیت حرفه‌ای خود را با تولید فیلم‌های مستقل و کم بودجه شروع کرد. سه دختر او، هفتمین فیلم بلند داستانی آزازل است. فیلم‌های آزازل عموماً با واکنش‌های مثبتی از جانب منتقدان همراه شده‌اند و سه دختر او نیز از این قاعده مستثنا نیست.

درباره بازیگران

کری کان در نقش بزرگ‌ترین خواهر به نام کیتی حضور دارد. آدمی رک‌گو که تمایل دارد به موضوعات به شکل منطقی و سیاه و سفید نگاه کند. کان با بازی در نقش مارگو دان در فیلم دختر گمشده از دیوید فینچر به شهرت رسید. الیزابت اولسن، خواهر کوچک‌تر، کریستینا را به تصویر کشیده است. او به عنوان آخرین فرزند خانه تلاش می‌کند خواهرانش را کنار هم نگه دارد. مخاطبان اولسن را بیشتر با نقش واندا ماکسیموف در فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی MCU مانند انتقام‌جویان: جنگ ابدیت و... می‌شناسند. خواهر وسطی خانواده، ریچل با بازی ناتاشا لیون است. از دید خواهرانش او آدمی خودخواه و بی‌تفاوت با رفتارهایی بیجان است اما در واقعیت او بوده که از زمان تشخیص سرطان پدرش، همیشه در کنار او بوده است.

درباره تاندا

رابرت دنیلز درباره فیلم نوشته: در اجرهای سه بازیگر اصلی، بر خیی کنش‌های برنامهریزی شده و اغراق آمیز شاید به چشم آید اما به مرور، این رفتارهای خاص بخشی از شناسه هر کدام از این شخصیت‌ها تبدیل می‌شود. از جمله لیخندها و چشمک‌های زندانه اولسن قبل از خروج از صحنه، تلاش لیون برای محافظت از جنبه درونی خالص و آسیب‌پذیر ریچل و واکنش‌های جدی و سرسختانه کان که شخصیت سرد و گرم چشیده کیتی را بر جسته می‌کند. اگر چه شاید سه دختر او در لحظاتی برای تأثیر گذاری بیشتر، آگاهانه و حساب‌شده قلب مخاطب را هدف قرار دهد، اما انقدر لطیف است که به سختی می‌توان به یاد عزیزان از دست رفته اشک نریخت. کنکاش حزن‌انگیز سه دختر او پیرامون سوگ و روابط خواهرانه، مرثیه‌ای عمیق درباره اثر ویرانگری است.

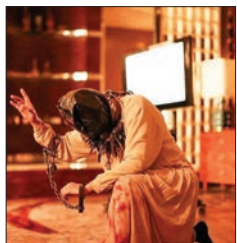
ترین‌های هفته

شاید بشود هفته | قاتل و وحشی در راه جشنواره

بالاخره پس از چند سال، طلسم فیلم «قاتل و وحشی» به کارگردانی حمید نعمت‌الله شکسته شد و به احتمال زیاد در چهل و سومین جشنواره فجر شاهد نمایش آن خواهیم بود. به گزارش فیلم‌نیوز، در حال حاضر فرم ورود به جشنواره برای فیلم سینمایی «قاتل و وحشی» به کارگردانی حمید نعمت‌الله بر شده و تا هفته آینده نسخه نهایی این فیلم هم به دفتر جشنواره ارسال خواهد شد. بعد از «پیر پسر» به کارگردانی اکتای براهتی، حضور «قاتل و وحشی» در جمع فیلم‌های جشنواره چهل و سوم می‌تواند اتفاق بسیار مهمی را رقم بزند. به احتمال بسیار از فیلم «قاتل و وحشی» در جشنواره چهل و سوم رونمایی خواهد شد.

در صف هفته | ادیناسور مترصد فتح گیشه

مسعود اطیابی، از آماده اکران شدن فیلم دایناسور آخرین اثر سینمایی خود که فیلمبرداری آن از مرداد امسال آغاز شده بود، خبر داد. به گزارش ایرنا، فیلم کم‌دی دایناسور را سیدمسعود اطیابی کارگردانی کرده و محمد شایسته تهیه‌کنندگی و امیر برادران نویسندگی آن را بر عهده داشته‌اند. در این فیلم سینمایی، پژمان جمشیدی، امیرجعفری، یوسف تیموری و امیر توسلی ایفای نقش می‌کنند. مسعود اطیابی به دنبال موفقیت خود در فیلم‌های کم‌دی چون نگراس ۲۰۱ و ۳، بخارست، انفرادی، دینامیت و هتل، دایناسور را به سینماها می‌آورد... یادآور می‌شود این روزها نگراس ۳ در پلتفرم فیلم‌و اکران آنلاین است.



کودکی مهراوه

مهراوه شریفی‌نیا در خانواده‌ای سینمایی قد کشید اما خیلی زود صاحب استقلال و هویت شخصی شد. گواه آن پخش سریال قدیمی «داستان شد» از شبکه آی‌فیلم است. شریفی‌نیا ۱۴ ساله در اپیزودی از این مجموعه با نام «شبی در تاریکی» نقش دختر رویا تیموریان و سیاوش طهمورث را برعهده دارد. او شخصیت یک نوجوان که گرفتار وحشت می‌شود را جذاب و ملموس بازی کرده. کمی قبل‌تر در همین آی‌فیلم شاهد بازپخش سریال «کیمیا» بودیم که شریفی‌نیا با آن سیر زندگی یک دختر از جوانی تا میانسالی را به تصویر کشید. حالا هم یکی از نقش‌آفرینان فصل چهارم «زخم کاری» است؛ در قامت پانی، همان دختر زخم‌دیده از مالک. مهراوه شریفی‌نیا چه خوب و باورپذیر خشم زن را در بازی‌اش بازتاب داده. البته کسی که صاحب بی‌شمار نقش موفق است هم باید اینگونه به شخصیت پانی، جان ببخشد.



عکس هفته

هوا هوای انتقال کارهای امروز به فرداست

صفحه ۱۴

۲۵۰ فیلم – شمارش معکوس – ۱۹

استادها و مدل‌ها

نوزدهمین قسمت از پاورقی جدید. گذری از ۲۵۰ فیلم مورد علاقه‌ام و در یک شمارش معکوس، شاید انتخاب مثلا ۱۰۰ فیلم معقول تر بود اما هر کاری کردم فهرستم کمتر از ۲۵۰ فیلم نشد. آن دسته از فیلم‌های ایرانی هم که به نظرم جذاب می‌آمدند، در لایه‌لای این‌نام‌های بزرگ تاریخ سینما ارائه می‌شوند. بسیاری از فیلم‌های بزرگ تاریخ سینما در این فهرست هستند و بسیاری هم نیستند اما به نظرم همین غیرقابل پیش‌بینی بودن این فهرست می‌تواند از نقاط قوتش باشد! (امروز بیش از قبل به داخل کلوب صدتایی‌ها نفوذ می‌کنیم.

۷۵– زیبای آزارنده. فیلم چهارساعته ژاک ریوت درباره تقلای یک نقاش کهنه‌کار برای طراحی از یک دختر جوان. و رابطه عجیبی که بین او و مدل باغی و سرکشش شکل می‌گیرد. فیلم آکنده از زیبایی است که بخشی از آن به حضور خاص امانوئل بتار برمی‌گردد اما نباید فراموش کرد که میشل پیکولی در آخرین سال‌های هنر‌نمایی‌اش باز هم نشان می‌دهد که صاحب آن جرقه پرشور و هنرمندانه است که در کارنامه بازبگری‌اش به وفور به چشم می‌خورد.



۷۴– شعله عشق. یک فیلم جسورانه که برخلاف آثار مشهور میزوگوچی، یک درام سیاسی و در عرصه حقوق زنان است با داستانی پرפרاز و تشبیب و با همان قدرت ویژه میزوگوچی در میزاسن‌های سیال که در تمام دنیا شاید فقط ماکس اوفلس را هم‌ساورد خود دارد. یک شاهکار به تمام معنا با حضور بازیگر محبوب کنجی میزوگوچی یعنی خانم کینوبو تاناکا. یکی از پرشورترین و صریح‌ترین جانبداری‌های میزوگوچی از زنان.

۷۳– کسوف. داستان فیلم درباره دختر جوانی است که رابطه‌اش را با معشوق قبلی خود به هم می‌زند و وارد رابطه با دلال بورسی می‌شود که طبیعت ماترالیستی دلال باعث تحلیل رفتن رابطه این دو نفر می‌گردد. این فیلم آخرین فیلم از سه‌گانه آنتونینی بعد از ماجرا (۱۹۶۰) و شب (۱۹۶۱) به‌شمار می‌رود. فصل انتهایی فیلم و هفت دقیقه مرور لوکیشن‌های خاص شهر رم همراه با موسیقی دیگر جزو سکانس‌های کلاسیک و تحسین شده تاریخ سینماست. با دو بازی عالی از مونیکا ویتی و آلن دلون. یک زوج فوق‌العاده زیبا.

۷۲– صورت زخمی. درام گانگستری هاوارد هاکس که ضرب شستی از ضرب‌اهنگ و حادثه و هیجان است. یک فیلم ممتاز که ظرفیت‌های سینمای استودیویی دهه سی را در نمایش یک بیان سینمایی خالص به تمامی نشان می‌دهد. این فیلم اولین اثر بزرگ هاوارد هاکس است که این سال‌ها دوباره مورد توجه ویژه منتقدین قرار گرفته است. برخی سکانس‌های فیلم حتی در معیارهای سینمای معاصر هم شو که‌کننده و با طراوت است.

۷۱– مرشد. فیلم درخشان پل تامس اندرسون. داستان یک سرباز سابق نیروی دریایی به نام فردی کوئل را روایت می‌کند که بعد از جنگ جهانی دوم به خانه بازمی‌گردد و خود را درگیر مشکلات روانی خود می‌بیند،او به دلیل اختلافات روانی خود از جامعه گریزان و با شخصی به نام «لنکستر داد» آشنا می‌شود، لنکستر به عنوان استاد و مرشد، سعی می‌کند او را با روش‌های متافیزیکی مخصوص خود درمان کند. یکی از نمونه‌های دلپذیر سینمای پست مدرن با سکانس‌ها و خرده داستان‌هایی که در شکل عادی یک فیلم عجیب و غیرمنتظره به نظر می‌رسند. ترکیب فیلیپ سیمور هافمن و واکین فونیکس معجونی مردافکن ساخته است.

۷۰– خیابان اسکالرت. فیلم نوآر به شدت تلخ فريتس لانگ. داستان نقاشی پراستعداد اما متواضع که در دام عشق یک زن بدنام می‌افتد و اجازه می‌دهد که ن دوستت کلاهردارش تمام هنر او را به نفع خود مصادره کنند و مرد تحقیر شده در نهایت دست به یک جنایت می‌زند. ادوارد جی رابینسون هرگز این حدی نقص نبوده است. فیلم به بهترین شکل ممکن دنیای تلخ و زهرآلود فريتس لانگ را در ژانر سینمای سیاه عرضه می‌کند.

۶۹– پرنینگ. اثر تگزلی و دلتنگ کننده میکیو ناروسه. داستان عشق بی‌کran یک مرد جوان به بیوه برادر سابق خود. عشقی که در لایه‌لای ترس زن از مناسبات خانوادگی سنتنی در ژان پرر می‌شود. سکانس سفر زن با قطار و تعقیب او توسط مرد که در همان قطار سوار شده است به یک مغازه بصری و یک کشف و شهود سینمایی بدل می‌شود. یکی از تلخ‌ترین داستان‌های عشق که در سینما ساخته شده است.



۶۸– مخمل آبی. اولین شاهکار کامل دیوید لینچ. درباره پسر جوانی به اسم ففری (کایل مک لاکلن) است که در زمینی یک گوش بریده شده پیدا می‌کند؛ این آغاز ماجرای عجیبی است که او در آن درگیر می‌شود و در آن با مجموعه‌ای از کابوس‌های جنسی و عشقی مواجه می‌شود. مخمل آبی دیگر به یک فیلم کالت بدل شده است و طرفداران پرشماری در تمام جهان دارد. ازبایلا روسولینی، نیس هاپسر و کایل مک لاکلن بازیگران اصلی این شاهکار هستند.

Bluevelvet. 1986

آخر هفته

صداهایی آن سوی آواز

این بخش‌هایی از گزارش مفصل سایت اصولگرای مشرق نیز است درباره چهار زن که آوازهایشان در فضای مجازی بازتاب‌های غیرقابل کنترل یافتند



این گزارش را سایت مشرق نیزو تهیه کرده و هدف نگارنده آن نشان دادن بهره‌برداری برخی از گروه‌های اپوزیسیون از آوازخوانی‌های گاه و بیگاه زنان بوده است. طبیعتا ما در هفت صبح در این ایده با مشرق نیزو همسو نیستیم اما این پرونده آن قدر جذاب بود که تر جیب دادیم با مقداری تلخیص برای شما کار کنیم چون حاوی اطلاعات مفید و مغتنمی است.

در سه سال اخیر، مواردی از آوازخوانی دختران در اماکن عمومی کشور منتشر شده که از بین این‌ها، سه مورد بازتاب بیشتری در شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشته و نظر تحلیل گران را به خود جلب کرده‌است.

نیلوفر محبی
نوزدهم خرداد ۱۴۰۲، نیلوفر محبی، در صفحه شخصی اینستاگرام، ویدئویی از آوازخوانی خود در مسجد شاه اصفهان منتشر کرد. در پایان این ویدئو، لحظاتی از اعتراض یک مرد به آوازخوانی او ضبط می‌شود و به اتمام می‌رسد. محبی درباره این ویدئو توضیح می‌دهد که مربوط به اردیبهشت ۱۴۰۱ است که در سفر به اصفهان و مسجد شاه، آواز خوانی کرده و پس از تذکر که کمک مردم، از مسجد شاه فرار کرده است. او در روایت این ماجرا مدعی است که این اقدام او بدون برنامه‌ریزی قبلی بوده و بابت جلوگیری از ادامه آوازخوانی نیز گلابه می‌کند. محبی در جملات پایانی اشاره می‌کند که «چند ماه بعد زن زندگی آزادی جوونه زد».

نیلوفر محبی فارغ‌التحصیل کارشناسی هنرستان موسیقی دختران از دانشگاه علمی کاربردی بود که بیشتر به عنوان نوازنده ویالن شناخته می‌شود. او در سال ۱۳۹۶ آلبوم مستقلی از خود به نام «نه نایان تابیکران» را منتشر کرد که نامزد دریافت تندیس بهترین آلبوم موسیقی پاپ در پنجمین جشن سالانه «موسیقی ما» شد و موسیقی فیلم «ماسو» به کارگردانی اصغر محبی و فیلم کوتاه «نهان» به کارگردانی محمد

هرمزی از تولیدات اوست، وی در فروردین ۱۳۹۸ نیز در کنسرت‌های «شهر خاموش» کیهان کلهر به همراه کوارتت مینیاتور به روی صحنه رفت. او پیش از این ماجرا نیز با خوانندگان مشهوری دیدار و همکاری داشته است که پس از انتشار این ویدئو، در شبکه‌های اجتماعی بیشتر شناخته شده و هنرمندان دیگری از او حمایت می‌کنند.

همکاری محبی با جامعه شناخته شده هنری ایران، پس از مهاجرت، در کنسرت‌های استانبول و دوبی نیز ادامه پیدا می‌کند. انتشار این ویدئو پس از یک سال، درست در زمانی که زن زندگی آزادی نفس‌های آخر را می‌کشید، به عنوان یک تنفس مصنوعی برای احیای حساسیت در حوزه زنان نقش آفرینی کرد. ویدئو او در آن زمان به بازدید ۴ میلیونی رسید و بخشی از جامعه هنری ضد ایرانی را با خود همراه کرد. بحث و تحلیل‌های مربوط به نیلوفر محبی باعث شد تا رسانه‌های مانند، پرونده‌ای با موضوع بررسی ممنوعیت آوازخوانی زنان، تشکیل دهند و گزارش‌های متعددی در رابطه با آن منتشر کنند. کمتر از ۱۰ روز پس از انتشار این ویدئو ویرو نیز گزارشی جامع از روند ممنوعیت آوازخوانی زنان در ایران منتشر کرد و آن را چالشی برای ایران خواند که در زمان اغتشاشات مهسایمینی تشدید هم پیدا کرده است.

هانا کامکار
هانا کامکار، بازیگر، عکاس، فعال محیط زیست، کارگردان وخواننده است که به دلیل تولد در یک خانواده هنری باعث شد از کودکی با موسیقی آشنا باشد و از سال ۱۳۸۲ با پیوستن به گروه کامکارها، (گروه موسیقی مشهور و فعال در غرب کشور)، به طور جدی به حرفه نوازندگی بپردازد. او فرزند بین کامکار، نوازنده و خواننده موسیقی سنتی در ایران است.

هانا کامکار در سال ۱۳۸۰ سابقه بازی در مجموعه تلویزیونی «آقا و خانم تجربه» را دارد و در جشنواره تئاتر فجر ۱۳۸۴ برای طراحی

استوری به حمایت از هانا کامکار پرداخت.

مهديه محمدخانی
مهديه محمدخانی، خواننده و سرپرست گروه موسیقی شهنوا، دانشجوی رشته مهندسی معماری است که از سال ۸۷ به فراگیری آواز ایرانی نزد غلامرضا رضایی مشغول شد. محمدخانی در سال ۱۳۹۰ با مجید درخشانی آشنا شد و در تور کنسرت‌های اروپا در سال ۲۰۱۳ و تور کنسرت‌های استرالیا در سال ۲۰۱۴ با مجید درخشانی همکاری کرد. او در این مدت، طی دیداری با محمدرضا شجریان، به کلاس‌های آواز وی راه یافت.

مهديه محمدخانی در چندین سال گذشته، تورهای کنسرت مختلفی را در اروپا، کانادا و استرالیا به سرپرستی حمید متبسم اجرا کرده است. سال ۱۳۹۲ پس از انتخاب علی جنتی به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، شایعه‌ای مبنی بر اجرای زنده مهديه محمدخانی در حضور وزیر ارشاد در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاد که واقعیت نداشت. اما در اسفند ۱۳۹۳ مهديه محمدخانی به همراه مجید درخشانی در پی شکایت پلیس امنیت تهران، به دادگاه فراخوانده شدند؛ پلیس امنیت تهران به دلیل تهیه و تدوین و انتشار فیلم «تک‌خوانی زنان» علیه مهديه محمدخانی و مجید درخشانی شکایتی را به قوه

قضائیه ارسال کرده بود. مهديه محمدخانی در تیرماه ۱۴۰۱، پستی در اینستاگرام خود منتشر کرد مبنی بر اینکه سال‌هاست بر سر اختلاف نظر و سلیقه مسئولان، نبی‌ی از مهمترین نقش‌های جامعه هنری ایران، از انتشار و اجرای موسیقی و آوازشان محروم مانده‌اند. محمدخانی در این مطلب به قانون جمهوری اسلامی و فتاوای معتبر در احکام شرعی می‌پردازد و مدعی می‌شود که احکام شرع، ملاک حرام یا حلال بودن موسیقی به جنسیت بر نمی‌گردد و تفاوتی بین آواز زن و مرد وجود ندارد.

او در ادامه مطرح می‌کند که یکبار هم که شده، مخاطبان این مطلب برای رفع این ممنوعیت و مصلحتی که اشاره شده، این نوشته‌ها را بازنشر کنند و خوانندگان و حامیان هنر را از این موضوع آگاه سازند؛ این پست به شدت مورد توجه کاربران در آن زمان قرار گرفت و بازیگران، سلب‌ریتی‌ها نیز با بازنشر و حمایت از این پست، نقش بسیار مهمی در دیده‌شدن آن ایفا کردند. محمدخانی مدتی بعد این نوشته خود را به یک پویش با عنوان «آواز جنسیت ندارد» تبدیل کرد. این پویش مهدیه محمدخانی، مهمترین کمپین و کارزار در زمینه آوازخوانی زنان بوده که با حمایت رسمی و علنی سلب‌ریتی‌های مشهور نیز همراه شده است.

هم‌زمانی این سه کنش در تیرماه ۱۴۰۲، توجه کاربران و جامعه هنری را نسبت به موضوع آوازخوانی زنان جلب کرد. تا پیش از تابستان ۱۴۰۲ تاکنون کنش‌های مشابه در خیابان و اماکن عمومی صورت گرفته بود؛ اما به اندازه نیلوفر محبی، هانا کامکار و مهديه محمدخانی، مورد توجه و حمایت جامعه هنری قرار نگرفته است. در آن سازه زمانی با توجه به حمایت سلب‌ریتی‌ها از این پویش، دختران نوجوان زیادی اقدام به ضبط و انتشار ویدئو آواز خوانی خود در اماکن عمومی کشور کردند و برخی هم از سوی رسانه‌های معاند بازنشر و حمایت شد.

مشتی ماشالله، حقه‌ای والله!

صفحه ۱۶

پرستو احمدی
اوایل اغتشاشات ۱۴۰۱، پرستو احمدی ویدئویی از آوازخوانی تصنیف عارف قزوینی را منتشر کرد. یک سال بعد در مهرماه ۱۴۰۲ برای او پرونده قضایی تشکیل شد و به دادگاه احضار شد. شبکه‌های معاند احوال و شرایط پرستو احمدی پس از احضار به را لحظه به لحظه پوشش دادند و ویدئو تک‌خوانی او در شبکه‌های اجتماعی بازنشر شد. احمدی خرداد ۱۴۰۲ هم، ترانه «هوای آزادی» را برای سالگرد اغتشاشات ز.ز. آ منتشر کرده بود که با وجود حمایت صفحات ضدانقلاب، به اندازه فعالیت‌های سابق، دیده نشد.

با وجود احضار به پرستو احمدی، او چهار ماه بعد، تک‌خوانی جدیدی با عنوان حسرت پرواز منتشر کرد که البته چون رنگ و بوی زن زندگی آزادی از آن استشمام نمی‌شد، چندان با حمایت جریان ضدانقلاب و برخی سلب‌ریتی‌ها همراه نشد. احمدی تااواخر پاییز ۱۴۰۳، فعالیت خاصی در شبکه‌های اجتماعی و حوزه موسیقی به صورت عمومی انجام نداد تا اینکه در آذر ۱۴۰۳، در صفحه یوتیوب خود یک کنسرت فرضی و بدون حضور تماشاگر را به صورت لایو برقرار کرد. احمدی در این کنسرت همراه با سه نوازنده در یک کاروان سرا حضور پیدا کرد و بدون پوشش اسلامی به نواختن چند قطعه تکراری پرداخت. پرستو احمدی حتی در این هوای زمستانی، پوشش عقلائی و عادی فردی را رعایت نکرد و با این وضعیت در اجرای نیم‌ساعته، حضور پیدا کرد. با وجود اینکه این کنسرت در یک فضای زمستانی برقرار شد اما همچنان همان شکل و شمایل تابستانی ۱۴۰۲ را در خود حفظ کرده است. غیبت چندماهه او در شبکه‌های اجتماعی و حضور یک‌باره وی به این شکل، کنسرت فرضی او را به یک پرفورمنس اعتراضی تبدیل کرد.

این بار اپوزیسیون جدی‌تر به حمایت از پرستو احمدی پرداختند. سلب‌ریتی‌هایی هم که سابقه کشف حجاب و قضایی شدن داشتند، پررنگ‌تر از سابق، از او حمایت کردند. بازتاب این کنسرت فرضی در شبکه‌های اجتماعی همچون تابستان ۱۴۰۲، حمایت کاربران را به خود جلب کرده و برخی از دختران ویدئویی از خود در حالی که مشغول تماشای این کنسرت از طریق یک موبایل‌های خود هستند، منتشر کردند. انتشار ویدئوی تماشای این کنسرت در تلفن‌های همراه هم به یک پرفورمنس تبدیل شده که از سوی خبرنگاران و مجموعه رسانه‌ای ضدانقلاب در حال بازتاب و منعکس است.

واقعیت آن است که کنسرت اجرا شده در یکی از بیابان‌های مرکز ایران را تنها نباید از زاویه شکستن شیشه پخش صدای زنان در جامعه آن طور که ضدانقلاب روی آن عملیات رسانه‌ای کرده است دید.

این ماجرا پرسیده دیگری هم دارد که در تلاش است روی فرم و اجرای برخی قوانین به ویژه قانون حجاب و عفاف اثر گذار باشد، در این امر جریان اصلاح‌طلب نمی‌تواند همسویی با ضدانقلاب پیدا کرده و جریان رقیب نیز به دلایل امنیتی حق استفاده از آن برای مصداق سازی را ندارد. فراموش نکنیم که آوازی که بیابان خوانده شده است را این روزها برخی در دیسکوهای دمشق در استقبال از تحریرلشام نیز خوانده‌اند، شکستن این سقف شاید آواری بسازد که این روزها روی سر مردم سوره ریخته است!

روبن دیاز در نیمه نخست، مجبور به ترک زمین شد و یک ماه بعد از آن هم بازی نکرد. ناتان که نیز تعویض شد و جان استنزن از آن زمان تاکنون فقط یک بازی انجام داده است: شکست ۴–۰ مقابل تاتنها در لیگ. سه روز پس از حذف از جام اتحادیه، سیتی مقابل بورنموث بازی کرد و دوباره شکست خورد و از آن زمان همه چیز او را هاشید.

این روند شکست‌ها تا زمانی که قرارداد جدید دو ساله گواردیولا در ۲۱ نوامبر اعلام شد، به پنج بازی رسیده بود. گواردیولا در آن زمان گفت: «الان وقت نیست.» او توضیح داد که یکی از دلایل تصمیمش برای ماندن این است که می‌خواهد راهی برای جبران پیدا کند. گاهی اوقات گواردیولا خودش را سرزنش می‌کند که چرا توانسته در رختکن کلمات مناسبی پیدا کند. او از اینکه پس از شکست ۴–۰ مقابل تاتنها در صحت‌هایش بازیکنان بیش از حد احساسی بر خورد کرد، پشیمان شد. صبح روز بعد، در آپارتمانش در مرکز شهر و در حالی که قهوه می‌نوشید، به خودش یادآوری کرد که بازیکنان از سرمربی انتظار دارند در لحظات سخت کنترل اوضاع را در دست بگیرد و بیش از حد احساسی نباشد. او به خودش گفت: «ا راه باش.» چطور بازیکنان می‌توانند آرامش داشته باشند اگر مربی این طور نباشد؟ اما گواردیولا یک بازیگر نیست و بازیکنان اضطراب او را در جریان تساوی ۲–۳ مقابل فاینورد به‌وضوح روی چهره‌اش دیدند. حتی بینندگان تلویزیونی هم این اضطراب را حس کردند: سرمربی‌ای که با وجود برتری ۱–۳ تیش، حالت تدافعی به خود می‌گیرد و سروسور تش را آن قدر می‌خراشد که قمرز و ملتهب شود، نمی‌تواند موجب دلگرمی دیگران باشد.

که بیش از هر زمان دیگری روی عملکردش تأثیر گذاشته است؟ چه کسی فکر می‌کرد خط دفاعی سیتی به‌قدری تحت تأثیر مصدومیت‌ها قرار بگیرد که در ۱۳ بازی نخست فصل، بیشتر از تیم ریکستال پالاس که در رتبه چهارم از پایین جدول است، گل خورده باشد؟ یا اینکه اسکار باب، بهترین بازیکن پیش فصل آن‌ها، درست پیش از نخستین بازی فصل پایش بشکند؟ یا این حال، شاید هیچ چیزی به اندازه از دست دادن رودری تأثیر گذار نبوده باشد؛ ضربه سنگینی که طرف یک روز پس از پارگی زانوئی این هافبک اسپانیایی مقابل آرسنال در تاریخ ۲۲ سپتامبر، مقام‌های بلندپایه باشگاه اظهار داشتند که این مصدومیت می‌تواند فصل آن‌ها را نابود کند. در آن زمان، سیتی با ۱۳ امتیاز از ۱۵ امتیاز ممکن صدرنشین لیگ بود. اما نگرانی آن‌هایی دلیل نبود؛ با حضور رودری، از فوریه ۲۰۲۳ تاکنون، آن‌ها ۵۷/۶ درصد بازی‌هایشان را برده و تنها یک شکست داشته‌اند؛ بدون لوترخ، مصدومیت‌ها روی هم انباشته شدند و بازیکنان کلیدی دیگر آمادگی قبل را نداشتند. البته، پس از وقوع اتفاقات همیشه راحت‌تر می‌توان قضاوت کرد و همین موضوع درباره فروش بازیکنانی مانند گول پالمر، لیام دلپ و رومئو لاونیا نیز صدق می‌کند. این تصمیم‌ها اکنون مورد سوال قرار می‌گیرند (مخصوصا درباره پالمر)، اما در آن زمان، چند نفر حاضر بودند یکی از نقاط کلیدی سقوط این فصل می‌دانند. کسی می‌توانست پیش‌بینی کند، برای مثال، فیل فودن نمی‌تواند آمادگی‌ای که فصل گذشته او را به بهترین بازیکن لیگ برتر تبدیل کرده بود، تکرار کند؟ یا اینکه افت فودن هم‌زمان با مشکل مصدومیت‌های کوین دگربرونه باشد



ابراهیم افشار

مشتی ماشالله، حَقّ‌هایِ والله!

۱] در میان صدها مصاحبه‌ای که در تمام عمر روزنامه‌نگاری‌ام با شخصیت‌ها و چهره‌های مختلف داشتم تنها یک گفت‌وگو بود که وسطش حالم خراب شد و دویدم در مستراح گریه کردم. داشتم تاریخ شفاهی پیشکسوتان ورزش مملکت را برای خبرگزاری تماشاگر می‌ساختم که ناگهان شنیدم آقاکیان در تهران است. اولین قهرمان بولینگ ایران و پسر یکی از بزرگ‌ترین ثروتمندان عصر پهلوی دوم. سی و اندی سال بعد از پیروزی انقلاب به ایران برگشته بود تا مثلاً شاید بتواند بخشی از مستغلات پدری را که قیمتش غیر قابل برآورد کردن و آن زمان مصادره شده بود زنده کند و به زخمش برزد.

مجموع کن پیر مردی اصل و نسب‌دار را که قشنگ معلوم است از اسب آرزوها به قهر زمین افتاده است، ناگهان در استودیو مقابلم نشسته و داستان‌های تاریخ بولینگ و اسکی در ایران را روایت کند. همان لحظه امیر رعیت داشت گفت‌وگو را به سه دوربین فیلمبرداری می‌کرد و می‌دیدم که او نیز چنان غرق در داستان کیان‌شده که اصلاً دوربین یادش رفته است. من از آنجا که مرض دارم و تاریخ انتزاعی را دوست ندارم و دلم می‌خواهد در هر مصاحبه به زوایای پنهان زندگی اشخاص مقابلم برود کنم ناگهان رسیدیم به داستان ماشالله قصاب و که این جور وقت دوتا از دوربین‌ها را خاموش کند و بی‌آنکه به دوربین اصلی دست بزند خودش از پشت دوربین کنار برود. پس نگاهی معنی‌دار به امیر انداختم و گویا چشمکی هم زدم و امیر از پشت دوربین روشن کنار رفت و گفت: «بفرماید خاموش شد». اعتراف می‌کنم که این تنها خیانت و نامردی در تمام دوران روزنامه‌نگاری‌ام بود و چند سال بعد که آقاکیان در

حمید رستمی

مالعبتکانیم و فلک لعبت‌باز!

۱] در آن زمستان سخت‌اوایل دهه ۷۰ که آب در دهان آدم، یخ می‌زد و از سوز سرما به گوشه‌ای می‌خزیدیم و درجه بخاری نفی را در بالاترین حد ممکن گذاشته تا نوای ملوکونی «تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند/ عرصه شطرنج زندان را مجال شاه نیست» را به گوش جان بنوش کنیم و هنوز سال‌ها با زخم اصلی زمانه فاصله داشتیم تا بگوییم «کین همه زخمِ نهان هست و مجال آه نیست» پسر کی دبیرستانی بودند با کلی آرزو و امید که غرق در جبر و مثلثات و هندسه و شیمی و فیزیک و ملول از این حجم از بی‌ربطی به روح لطیف و عاشق‌پیشه دست به دامان دنیای هنرهای ظریفه و سینما و تئاتر می‌شدیم تا برآی خود آینده‌ای عاری از سینوس و تانژانت و لگاریتم بسازیم و از نوای خوش موسیقی و قاب‌عکس‌ها و تصاویر جنت آسا بگوییم. این چنین بود که طی یک تصمیم کبری، بدون هیچ مشورتی راه خود جدا کرده و به سمت هنر متمایل شدیم تا بعد از اخذ دیپلم ریاضی برای همیشه این کتاب‌ها را بوسیده و کناری نهاده تا در فضای فرهنگ و هنر تنفس کنیم. در همین راستا بود که در اولین فرصت اقدام به ابتیاع کتاب‌های کنگور و منابع ۴ ساله رشته‌هنر در دبیرستان کرده و از زیر صفر شروع کردیم. از خواص مواد و پرسبک‌تان و تاریخ هنر ایران و جهان گرفته تا غور در گذشته تک‌تک شخصیت‌های هنری جهان! آرام‌آرام به فضا مسلط می‌شدیم و شمارش معکوس وداع با رشته ریاضی را به صدا آورده بودیم که ناخواسته اتفاقی افتاد و کلامی از بزرگی چنان تلنگری بر مغز و زبان و حیران در میان فرمول‌های شیمی و فیزیک و رنگ‌های اصلی و مکمل وارد کرد که کل زندگی تا سال‌ها بعد را تحت‌تاثیر خود قرار داد.

۲] اتابک نادری که این روزها رئیس مرکز هنرهای نمایشی کشور بود، سال آخر رشته کارشناسی تئاتر بود که برای

احد بابایی منیر

روزگار هست و بازی‌هایش شازده!

فرزند ارشدش «فیروزمیرزا» را که از دست داد، ضبط اموال، شکسته شدن هیبت و آن دبدبه و کبکیه تیر خلاصی بود بر مغز «حضرت‌اقدس والاف‌رمانفر باباییان!» پیشترها، برای خودش کسی بود! همگان او را با عنوان «شازده» می‌خواندند. شهره بودن او به این نام به اندازه‌ای بود که فرزندانش نیز می‌پنداشتند «شازده» در واقع نام پدرشان است بعدها دانستند که لقبی را به اشتباه «نام» پنداشته بودند!قبل از سقوط قاجار‌ها، چشم در چشم شدن با همسر «شاهزاده‌خانیم‌عزت‌الدوله» و داماد «مظفرالدین‌شاه» جگرشیر می‌خواست!

مالک ثروت بی‌حدوحصر، استاد تشخیص راه و چاه

قاسم قاسمی

ستیز تغییر و تقدیر

۱] کابل به یک چشم به هم زدنی، آنی سقوط کرد. هیچ‌کی باورش نمی‌شد. شاید برای همین بود که ابتدا به میدان هوایی کابل و با فرودگاه کابل، هجوم ببرند. این اتفاق اما پسان افتاد. ساعتی بعد، زمانی که کابل رسماً سقوط کرده بود. آن روز، زندگی یک شهر و یک کشور عوض شد. کابل البته در این سال‌ها و دهه‌ها و سده‌ها، بارها سقوط کرده و هر باری هم زندگی مردمانش عوض شده است. آن روز اما سقوطش از نوع دیگری بود. یا شاید ما فکر می‌کردیم نوعش با سقوط‌های دیگر فرق می‌کند. من که سقوط‌های دیگرش را ندیده بودم. این جا برآی همین از فعل مفرد استفاده نمودم. وضعیت حال

تهران در گذشت، موقعیتی پیش نیامد ازش عذرخواهی کنم. البته خیانت شیرینی بود. چون حرف‌هایش درباره سرگذشت وحشتناکش و تاریخ معاصر آنچنان دهشتناک و سوزناک بود که شاید اگر خاموش می‌کردم، خودم را نمی‌خشیدم. چون می‌توانستم در مقابل تنورسین‌های «ژورنالیسم اخلاقرا»، قضیه را ا این چنین توجیه کنم که من اگر دوربین را خاموش می‌کردم دیگر هرگز شاهدی چنین دست‌اِول و بی‌واسطه برای مرگ یک دخترک کاپشن‌قرمز نمی‌یافتم.

۲] ماشالله قصاب با نام واقعی ماشالله کاشانی‌نژاد، رئیس کمیته انقلاب مستقر در سفارت آمریکا (از بهمن ۵۷ تا مرداد ۵۸) بود و بعدها تنقِ گندکاری‌هایش درآمد و اخراج شد. گویا مدتی را هم در معیت آقای خلخالی در کمیته مبارزه با موادمخدر کار کرده و سپس توسط دادسرای انقلاب بازداشت شد. او با تمام دادار‌دودور‌هایش، بعدها چنان در گمنامی و خاموشی از بین رفت که کسی اطلاعی از سرنوشتش نیافت. یک مبرد گامبوی حدود ۵۰ ساله اهل لات‌بازی که همان زمان هم فریدون فروغی، ترانه «مَشْتی ماشالله» با نام واقعی «حقه» را درباره او خوانده بود. مردی که همان روزها روزنامه‌ها هم چیزهایی درباره اعمال غیرقانونی‌اش (اخذ ویزای آمریکا با رشوه، فساد و باج‌گیری و…) نوشتند و پته‌اش را روی آب ریختند. اوضاع چنان قاراشمیش شد که خود او یک روز با حضور در دفتر خبرگزاری پارس – که بعدها خبرگزاری جمهوری اسلامی شد- اعلام کرد که این گزارش‌ها از دم بی‌اساس است. اما چندان نگذشت که یک روز روابط‌عمومی دادسرای مبارزه با موادمخدر در روز اول بهمن ۱۳۵۹ اطلاعیه‌ای صادر و دستگیری‌اش را اعلام کرد: «ساعت یک بعد از ظهر دیروز ماشالله‌قصاب که حکم دستگیری‌اش حدود ۲۰ روز پیش صادر شده بود توسط ستاد کمیته ۹ دستگیر و به دادسرای انقلاب اسلامی مرکز تحویل داده شد. از کلیه ملت تقاضا می‌شود در صورتی که از نامبرده شکایت و

شهادتی دارند به دادسرای انقلاب واقع در زندان اوین مراجعه کنند(روزنامه کیهان ۲ بهمن ۱۳۵۹). از آن روز، دیگر هیچ ردّی از مش‌ماشالله بر زمین نماند و او انگاری که به یک قطره آب تبدیل شده و در قعر زمین چکیده باشد، از انظار عمومی دور شد. البته آقای بهنود بعدها در دهه هشتاد اعلام کرد که ماشالله‌خان زنده است و به کار بنگاه معاملات مسکن در منطقه زعفرانیه اشتغال دارد ولی الله‌اعلم. ماشالله‌خان چنان جیک و پوک نزدیکی با سفیر در آمریکا در تهران برقرار کرده بود که می‌به‌دمد در کنارش عکس‌های دوتایی انداخته و به روزنامه می‌داد. رفقایش می‌گفتند، قدیم از نوچه‌های شعبان بی‌مخ بوده و یک سلاح بالفطره است. این مرد جاق و تپل، از آن سری «لَمپن پرولتاریا»ی فرصت‌طلبی بود که در شلوعی انقلاب، تقی به توقی خورده، صاحب اسلحه‌شده و مغازه قصابی‌اش در جنوب شهر را رها کرده و با نوچه‌هایش کمیته‌ای باز کرده بود که مثلاً پوز رقیب قدیمی‌اش «ممد گاوی» را در میدان خراسان بزند. کمیته‌ای که به درخواست سفارت آمریکا و مستر سولیوان و برای ایجاد امنیت برای کارکنان آنجا و البته زیرنظر وزارت خارجه ایران باز شده بود اما بعدها توسط آقای مهدوی کئی (رئیس کمیته‌های انقلاب وقت) اخراج و کمیته‌اش نیز منحل شد. سولیوان بعدها در خاطراتش نوشت که «ماشالله از سفارت آمریکا تقاضای ویزا کرد اما درخواستش رد شد».

۳] کیان‌خان بعد از آنکه داستان‌های جذاب راهاندازی بولینگ در ایران را تعریف کرد به روزگار فراراش از ایران در اوایل انقلاب توسط ماشالله‌خان رسید و خواهش کرد دوربین کوفتی خاموش شود. تعریف کرد که: «مادرم از قدیم اهل مرثیه، تعزیه و سفره حضرت ابوالفضل بود و هرگاه می‌خواست در روزهای اعیاد و وفات‌ها قربانی کند به ماشالله‌خان قصاب می‌گفت و او هم چندتایی گوسفند می‌آورد و در حیاط ویلای بزرگ‌مان از قناره می‌آویخت و پاک می‌کرد و مادرم هنگام رفتنش تنها شقه گوشت و دستمزدش را می‌داد بلکه برای زن و بچه‌اش هم کلی لباس و سوغاتی می‌گذاشت و می‌برد. وقتی ماشالله‌خان به ریاست کمیته سفارت گمارده شد گاهی

برای دیدن مادرم به خانه‌مان می‌آمد. یک روز مادرم به او ندا داد که «چون پاسپورت گرفتن برای کیان، کلی دنگ‌وفنگ دارد و طول می‌کشد، بیا او را از مرز رد کن برود خارج، بی تحصیلاتش را بگیرد.» ماشالله‌خان وجه مفصلی از مادر گرفت و شبی را تعیین کرد و آمد مرا تحویل گرفت و تاکید کرد که «هیچ رقم دلار و طلا و جواهر نباید پیشت باشد چون قاچاقچیان وقتی بفهمند به‌زور ازت می‌گیرند. فقط خرده‌وسایل کاملاً ضروری‌ات را بردار.» مادر اما شب آخر زرنگی کرد و چندتا صدلاری را تا کرد و با خیاطی ماهرانه وسط کمر بند چرمی‌ام جا داد و مرا اول به خدا و بعد به ماشالله سپرد. نوچه‌های ماشالله‌خان هم مرا تا خراسان برده و آنجا تحویل قاچاقچیان مرزی دادند و کلی سفارش کردند که مواظبش باشید به پایش خاری نخلد.

۴] کیان در یک نیمه‌شب غم‌انگیز از مادر پیر و گریاناش خداحافظی کرد و ماشالله‌خان، او را در اتومبیل جیبش گذاشت و قیزقیز و یس‌آژ داد و برد و تحویل نوچه‌هایش داد که ببرند مشهد تحویل قاچاقچی‌های مرزی همسایه شرقی بدهند. کیان ریز به ریز این سفر را جلوی دوربین برایم تعریف کرد. تعریف کرد که در چه وضعی به مشهد رسیدند. تعریف کرد که در چه وضعی از مرز رد شدند: «شب اولی که از مرز رد شدیم قاچاقچی‌های مسلح، من و ده‌ها همسفرم را که بعضی‌ها مجرد و برخی خانواده بودند در یک دشت وسیع اتراق دادند. زیر نور ماه شب را در هراس و غم خوابیدیم. سپیده‌دم که چشم گشودم تا به همراه قاچاقچی‌ها به اولین شهر مرزی برویم من دیگر با صحنه‌ای مواجه‌شدم که هنوز یک لحظتش یادم نرفته است. من آنجا صدار مردم و ۹۹ بار زنده شدم.

۵] کیان داشت با یادآوری خاطره‌ای که از سی و اندی سال پیش، رویش برف باریده‌ما تازگی‌اش را از دست نداده بود با آه و فغان قطره‌قطره اشک می‌ریخت و من موهای دستم مورمور شده بود: «همگی شب را کپّه کپّه در سینه سرد دشت پخش شدیم و من در گوشه‌ای پالتویم را رویم کشیدم و خوابیدم. به محض آنکه در سپیده‌دمان چشم گشودم دشت را سرخ و گلگون دیدم. چندین نفری که دیشب باهم مرز را رد شده

مهدی افخمی

مهدی افخمی

دیدن هم غلیظ روی آب کیفور شده و سر کلاس‌های ترویج کشاورزی و مبانی ماشین‌آلات کشاورزی حاضر می‌شدیم که خدایی‌اش هیچ نسبتی با آنها نداشتیم و فقط گذر ایام بود.

۵] امتحانات پایان ترم را که دادیم چند روزی فرصت برای استراحت و رفتن رد دل والدین و گشت و گذارهای عاشقانه در شهری کوچک در انتهای جهان می‌توانست غم و غصه چهار ماه تقابل با طبیعت سخت‌جان و کلاس‌های بی‌ربط را بشوید و ببرد. در طی همین قدم‌زدن‌های بی‌هدف در کوچه‌پس‌کوچه‌های گل‌آلود، ابراهیم را دیدم که به محض دیدنم گفت: معلومه کجایی تو؟! گفتم: همین دور و برها! گفت: «هر دو از رشته برق (بورسیه وزارت نیرو) قبول شده‌ایم من رفتم ثبت‌نام کردم. چند بار به خانه‌تان زنگ زدم نبود ی بهت خبر بدهم! تو هم برو زد با دانشگاه محقق تصفیه کن، برو تبریز ثبت‌نام کن. من هم سربازیم را نیمه‌تمام گذاشتم برگشتم. کلاس‌ها هفته بعد شروع می‌شود!» دقایقی مات ماندم. این چه بازی روزگاری ست؟ حالا باید چه کنم؟ از کجا شروع کنم؟ رشته برق آن هم بورسیه با ماشین‌آلات کشاورزی تومننی صنار فرق دارد و باید روی هوا بقیام ولی اطرافیان را چه کنم که همه فاز نصیحت برداشته‌اند که حیف است. زحمات یک ترم را به باد ند! همین را ادامه بده! بورسه انتقالدم دو ماهی طول کشید و بالاخره در تبریز ساکن شدم و ۵سال بعد که کارمند رسمی برق اردبیل شده بودم و دستم به دهنام می‌رسید یکی از همکلاسی‌های ماشین‌آلات را دیدم که بعد از اخذ مدرک لیسانس هنوز نتوانسته بود، کاری پیدا کند و زده بود به کار فروشنده‌گی در یک بوتیک! همان روز هزار بار خدا را شکر کردم که چه خوب شد آن روز گل‌آلود ابراهیم را دیدم و چه خوب که توصیه اتابک را جدی گرفتم!

مهدی افخمی

احد بابایی منیر

مغزی پیاپی، در سن ۸۷ سالگی و در باغ ویلای بیلاقی‌اش در رضوانیه شمیران، بارها همیشه به خواب رفت. پیش‌ترها گفته بود که دوست‌دار در نزدیکی پسرش نصرت‌الدوله دفن شود. شازده به آرزوی خود رسید: در آرامگاهی در نزدیکی قبر «نور چشمی‌اش» و در صحن شاه‌عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

در آخرین روزهای عمرش به فرزندانش که دور او نشسته بودند گفته بود:

«نام من فرمانفرما است، اما بر هیچ‌کس و هیچ‌جا فرمان‌روایی ندارم.»

روزگار هست و بازی‌هایش شازده!

مهدی افخمی

۴] بدی‌اش این است که پایانی برای هر سقوطی متصور نیست. و این سقوط‌هاست که زندگی‌مان را عوض می‌کند. کابل هم سرنوشتش این‌گونه رقم خورده است. و این بدترین سرنوشتی است که برای آدم‌ها وادی‌ها رقم می‌خورد. یک آدم چقدر می‌تواند سرنوشتش با یک وادی درآمیخته شده باشد که این‌گونه به هم بریزد و زندگی‌اش از این‌رو به آن‌رو شود. ما با هر سقوطی به هم ریختیم و این هم یکی از آن‌ها بود. خوشی انگار از این وادی رخت برسته و جای دیگری گسترده شده. و ما باید مدام، مسافران این وادی غریب باشیم؟ ام این را آ یا می‌شود بازی روزگار گذاشت؟

بودیم همگی روی خاک دراز کشیده بودند و بیدار نمی‌شدند. همه جای جهان، سرخ و لکه‌دار بود. رخ به رخ تک‌تک‌شان چشم گرداندم و دیدم جوی خون از زیر شکم‌شان روان است. چشم برگرداندم که قاچاقچی‌ها را ببینم ندیدم. همگی گریخته بودند. حالا در این جهان تنگ، تنها من مانده بودم و من. ببینوا من. البته نوچه ماشالله‌خان هم بود که پول کلانش را گرفته بود تا مرا به اولین شهر مرزی افغانستان همراهی کند و آنجا دست‌خط سالم رسیدنم را بگیرد و به مادرم برساند و باقی پاداشش را بگیرد. لِرزان و هراسان ازش پرسیدم «چه شده؟ چرا همه جا خوست است؟ چرا دشت قرمز است؟»

دیدم او نیز هق‌هق گریه می‌کند. وقتی به خودمان آمدم، دیدیم قاچاقچی‌ها نصف‌شب با دشنه، سینه تمام پناهجوهارا دریده‌اند که ببینند آیا در شکم‌شان دلار و طلا و جواهر هست؟ شک برده بودند که نکند اینها اشیای قیمتی را قور ت داده‌اند تا به همراه خود به کشور مقصد ببرند. کیان لالمانی گرفته بود و من چرا باید جلوی اشکم را می‌گرفتم وقتی که داستان دخترک کاپشن‌قرمز را از زبانش شنیدم. گفت: «در میان تمام مردگان، دخترک سه‌چهارساله کاپشن‌قرمز را دیدم که موهایش را مادرش از پشت بافته بود و سینه‌اش سفره شده بود». گفت که من زندگی‌ام در همان صحنه به پایان رسید. صدار مردم و ۹۹ بار زنده شدم. آن صحنه سرخ در آن خروسخوان غربت، مرا برای همیشه دیوانه کرد. شکم کوچک پربزاد کاپشن‌قرمز را سفره کرده بودند و جسد خاموشش کنار مادرش افتاده بود. شکمی که اصلاً برای جاسازی طلا و جواهر و دلار، بسیار محقر و کوچک بود. دشت را سراسر خون گرفته بود.

۶] حرف‌های کیان را قاچاقی ضبط کردیم و یک عمر مشمول الذمه‌اش ماندیم. حالا تمام تر اپیست‌های جهان نمی‌توانستند جلوی گریه و تهوع مرا بگیرند. دیگر هرگز توان نگر یستن به دخترکان کاپشن‌قرمز با موهای بافته را نیافتم. لطف می‌کنید اگر تمام کاپشن‌های قرمز کود‌کنانه را از فروشگاه‌های لباس کودک بردارید. واقعا لطف می‌کنید.

مهدی افخمی

زندگی با روحیه رعیتی

ندیدم تا به حال روزگار برای کسی خوبی خواهد و او در خانه‌ای که هست سوار نردبانی شود و به شش پله بالاتر رود و یا جفت شش بیاورد. هر آنچه بوده است سوتی مارهای سیاه و بخت پشت بخت بوده است. مردی خجسته که هنگامه زبانی عقل روی ملک پدری شرط‌بندی می‌کرده است یا وقت چک کشیدن و خوشگذرانی نمی‌دانسته است پدر پیرش چپهار تا دختر بد بخت در خانه دارد و نمی‌تواند خانه‌اش را بفروشد اما چون مادر عاشق پسر بزرگ بوده است، پس همان مادر همه را، دختران و پدر را نادیده می‌گیرد و خانه فروخته می‌شود و چک‌های شازده پاس می‌شود و بیرمد دشت می‌کند و راهی آن دنیا می‌شود و دخترانش آواره می‌شوند. پسر هنوز در سن ۵۵سالگی هوس‌باز و هرجایی است اما دختران هر گوشه مشغول کار در کارخانه یا منشی‌گری یا پرستاری پیرزن‌ها هستند. تقدیر هم برای ما چیز بهتری از این نخواستہ است. مادرم هر روز دعا می‌کند الهی‌کند دست به خاک بزنی طلا بشود اما هر دستی که من به خاک زدم اتفاقی نیفتاد. همین تفکر که انگار قرار است از خزانه غیب برای ما هدیه‌ای یارث بزرگ و یا گنجی ارشال شود کار من را خراب کرده است. دیشب در مطلبی خواندم که سعودی روزانه برای اتباعش ۷۰۰ هزار تومان یارانه پرداخت می‌کند و من تمام سعی‌ام را می‌کنم بعد از اداره این مبلغ را با کار در پیک و اسنپ دربیارم اما نهایت مبلغی که کار می‌کنم ۴۰۰ هزار تومان است و تازه این شغل کنم من است و در باکس حسایم چند فلک دارم که روزانه باید به حساب آن پول بریزم. باکس چک لباس، باکس کلاس فلسفه، باکس ترابی، باکس… با داشتن سه شغل حالا اگر در اسنپ کار نکنم روز بعد حسایم خالی است. از آن معجزه و آژ آن دعای مادر تنها توهم امیدش به من رسیده است. آنها باید خودشان روزی به فکر می‌بودند. به فکر دخترهایشان و پسرهایشان که دولتمردان این سامان پیشیزی برای مردمان ارزش قایل نیستند و آنها را در منجلاب مالی رها می‌کنند و فکری به حال آن‌ها می‌کردند. حداقل سرنپناهی برای فرزندانشان تأمین می‌کردند تا نصف حقویشان بابت اجاره خانه ۴۰ متری نرود. خانواده‌های معتقد به غیب ایمان دارند، اما آنها که بازاری هستند خوب می‌دانند جای بازی زمین سفت قهوه‌ای است نه آسمان آبی پس برای بچه‌هایشان هر کدام جدا اِپارتمانی پیش خرید کرده‌اند و مغازه‌ای در بازار می‌خرند تا لنگ امورات یومیه نباشند. بازی روزگار برای آنها حتی اگر عوض بشود سری راحت به بالین می‌گذارند چرا پدرشان متوهم نبوده است و می‌دانسته است هر سال دریغ از پارسل است. این ممالک محروسه! بارها با خودم فکر کردم تا کی باید با این روحیه رعیتی زندگی کنم و احساس کنم تا خم نشوم و چاکرم و مخلصم راه نیندازم کارم پیش نمی‌رود. کاش یک روز این رعیت مآبی از ملت گرفته نشود و خود را صاحب حق بداند که برایش از اربابان گدایی می‌کند. آن روز شاید بازی عوض بشود و اتفاق خاصی بیفتد و گر نه با همین فرمان زندگی تنها به ما امید پوچ و واهی می‌فروشد.

مهدی افخمی

مهدی افخمی

خودم را بازگو می‌کنم. **۲]** با سقوط کابل، همه چه عوض شد. و زندگی ما نیز، اما هنوز در شوکم که چه چیزی عوض شده است؟ شاید به همین خاطر بود که نامش را «کابل‌شوک» گذاشتند. ما هنوز که هنوز است در شوکم. فرق ما با کمارفتگی‌ها این است که حرکت می‌کنیم. اگر مرده متحرک بنامدمنام هم بعید نیست. وضعیت‌مان واقعا این‌گونه است. ما دیگر هیچ چه برای حاشا نداریم. همان‌گونه که هیچ چه برای از دست دادن نداریم. زندگی ما هم این‌گونه رقم خورده است. این آ یا همان تقدیر و قسمت است؟ تغییر پس این وسط چه کاره است؟ ما حالا

میان تغییر و تقدیر گیر کرده‌ایم و این دو در جنگ و ستیزند. **۳]** شمال که به سمت مزار شریف می‌رفتیم، کوه‌های سالتنگ، پر از برف بود. این ظاهر قضیه بود. این برف‌ها لایه لایه بود و تعداد سال‌های آن را نشان می‌داد. هر سالی با یک برف جدید، به این لایه‌ها اضافه می‌شد. این رافقط وقتی برش می‌زدی معلوم می‌شد. در غیر آن، فقط برف بود و لایه‌های زیرین آن معلوم نبود. مهاجران کابلی هم این‌گونه است. با هر سقوط کابل، لایه دیگری به لایه‌های آن اضافه می‌شود. این لایه‌ها را وقتی برش بزنی و به درون آن بروی معلوم می‌شود. در غیر آن، همه مهاجر هستند و لایه‌های آن ناپایداست.

مهدی افخمی

مهدی افخمی

مهدی افخمی